تاریخ عالم مصوّر

مخصوص کلاسهای پنجم و ششم مدارس ابتدائی دولتی و غیره

مطابق

مواد پروگرام جدید ۱۳۰۲ وزارت جلیله معارف و اوقاف

۱۳۰۵

تألیف

آقای میرزا سید علیخان معلّم دارالفنون

چاپ دوم

حق طبع محفوظ و مخصوص

است بکتابخانه مهدیه تیمچه حاجب الدوله نمره ۱۹ طهران ۱۳۰۶

تاریخ مختصر عالم

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ عمومی عبارتست از حوادث و عوارضیکه در تمام ممالک
کره زمین رخ داده میشود

تاریخ عمومی از رسوم و آداب و عقاید مردمان قدیم و تنزل و ترقی
و تمدن هر یک سخن میراند

مردم روی زمین از حیث رنگ و پوست بدن و بینی و لب و حالت چشم
و موی سر و غیره تفاوت زیاد دارند

کلیه نژادهای انسان بچهار قسم تقسیم میشوند

نژاد ابیض — نژاد اصفر — نژاد احمر — نژاد اسود —



تاریخ عمومی بدو عصر تقسیم میشود عصر قبل از تاریخ و عصر تاریخی

عصر قبل از تاریخ زمانی است که از آن هیچ اطلاعی ندارند

عصر تاریخی از وقتی شروع میشود که آن ملت خط و سواد پیدا کرده توانسته

که قسمتی از وقایع زندگانی خود را بنویسد اینست که آنعصر را عصر تاریخی

مینامند و اینعصر را مورخین بچهار قسمت تقسیم نموده اند

تاریخ قدیم - تاریخ قرون وسطی - تاریخ جدید - تاریخ معاصر

مبدء تاریخ

هر ملتی مبدء تاریخی برای خود وضع نموده که تاکنون باقی است مثلاً

مبدء تاریخ عیسویان از روز تولد حضرت عیسی ع شروع شده و تا کمال

۱۹۲۰ سال از آن میگذرد

مبدء تاریخ ما مسلمانان از روزی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
از مکه معظمه بمدینه طیبه هجرت فرمودند و تا بحال هزار و سیصد و ۱۳۳۹
سی و نه سال از آن میگذرد

تاریخ قدیم تا سال ۴۷۶ میلادی تمام میشود

تاریخ قرون وسطی – از سال ۴۷۶ تا تسخیر قسطنطنیه ۱۴۵۳ را
تاریخ قرون وسطی گویند

تاریخ جدید – از فتح قسطنطنیه تا ۱۷۸۹) زمان شورش فرانسه
تاریخ جدید مینامند

تاریخ معاصر – از شورش فرانسه الی یومنا هذا تاریخ معاصر میگویند

قسمت اول

ملل قدیمه مشرق

مصر – کلده – آشور – بنی اسرائیل – فینیقیه – مدی

مصر – مملکتی است در شمال شرقی افریقا واقع و تمام اهمیت
آن بواسطه رود نیل است

رود نیل - یکی از بزرگترین و معتبرترین رودهای روی زمین است که از وسط افریقا بیرون آمده و از چندین مملکت میگذرد و عاقبت مصر را مشروب میکند

اگر رود نیل نباشد مصر صحرای بی آب و علفی میشود که هیچکس نمیتواند در آنجا زندگی نماید لیکن حالیه از برکت رود نیل یکی از بهترین و حاصل خیزترین ممالک است

در اوایل تابستان برفهای جبال آب شده داخل این شط میگردد و آنرا بزرگ مینماید و نیل طغیان کرده مقدار زیادی از ساحلش را میپوشاند چون طغیان تمام شد گلی که از آبها رسوب کرده در سطح زمین باقی مانده آنرا حاصلخیز میگرداند و از اینجهت مصریان قدیم این شط را میپرستیدند

مصریان قدیم مشهورترین ملل قدیمه عالم اند و خدمات محیر العقولی در راه تمدن بنی نوع بشر نموده

مصریان عموماً قانع و بطور سادگی زندگانی کرده در زراعت و صنایع گوی سبقت از همگنان ربوده

پارچه‌های ابریشمی آنها در تاه مل بسته همه شایع شد از طلا و نقره ظروف و مسکوک میساختند در ادبیات و علوم بی نظیر بوده و یونانیان آنها را منشار علم و عقل میدانستند

تاریخ مصر

تاریخ مصر قدیم بطوریکه باید و شاید معلوم نبود لیکن بواسطه جنگی که ناپلئون در سال ۱۷۹۸ با مصریان نمود اکتشافات زیادی نموده و یکی از علمای فرانسوی موسوم به (شامپلیون) طریقه خطوط مصری را پیدا نموده و بواسطه کتیبه‌هائی که در ابنیه و عمارات حکاکی شده بود پی بتاریخ مملکت بردند

فراعنه از روی کتیبه‌های مذکور معلوم شده است که (۲۶) سلسله از فراعنه در مصر سلطنت کرده اند و پایتخت آنها در اول در (منفیس) نزدیک قاهره پایتخت حالیه مصر و بعد در (تبس) بوده و مشهورترین سلاطین فراعنه (سزستریس) میباشد که فرانویان آنرا آرامش دوم لقب داده اند

مذهب مصریان پرستش خدای یگانه مینموده لیکن وجود خدا را گاهی

بشکل ستاره و گاهی بشکل گاو و غیره تصور نموده آنها را میپرستیدند

پرستش اموات - مصریان تصور براین بود که روح اموات روزی بجسد حلول نموده اموات زنده میگردند بدینجهت اموات را مومیائی نموده در تابوتهای سنگی قرار داده در زیر زمین دفن میکردند

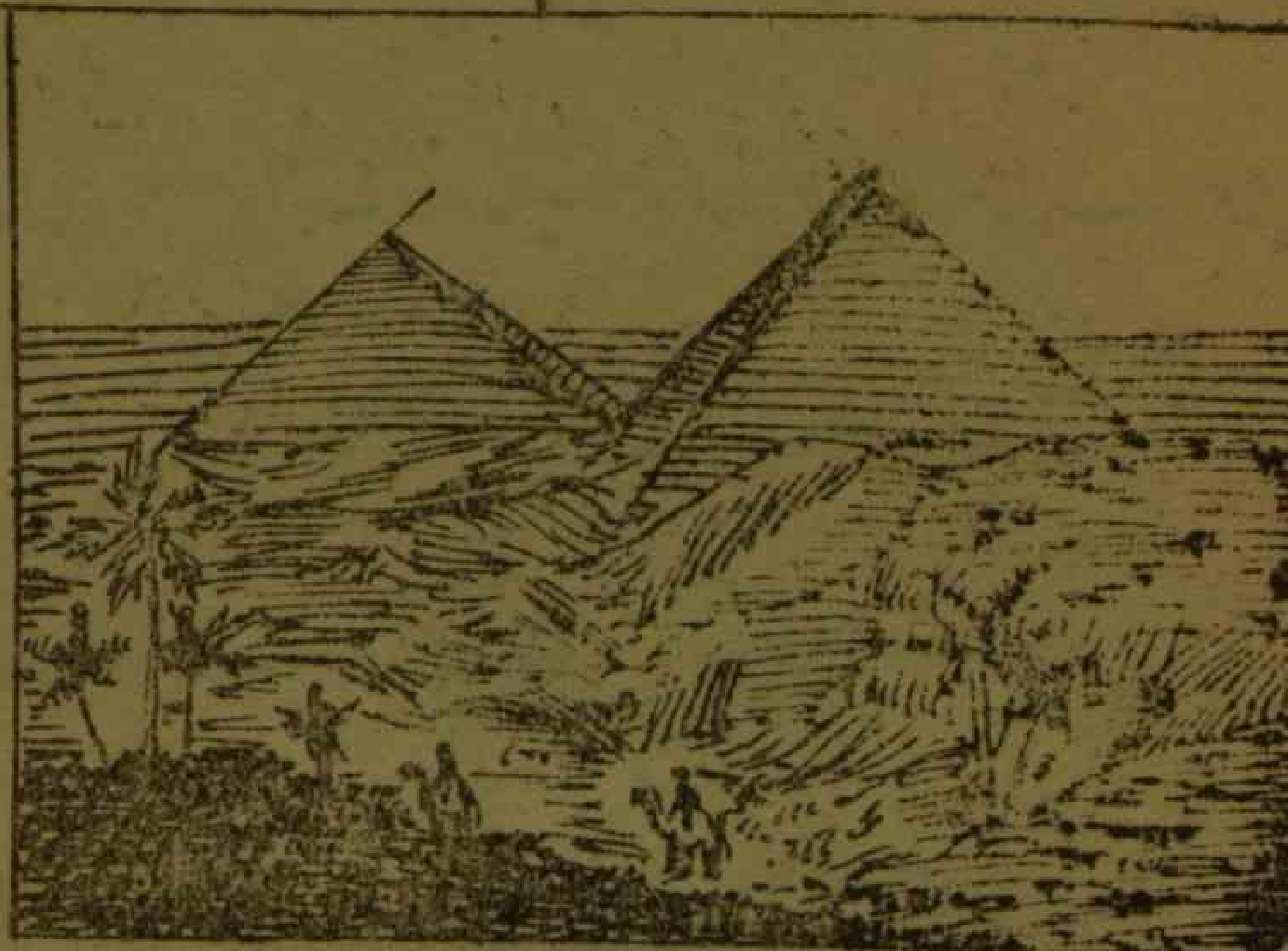


(ابنیه یادگاری مصر)

مصریان ابنیه های زیادی ساخته اند که تا بحال پا برجا و استوار و تمدن قدیمه مصر را ظاهر میسازد و مشهورترین آنها اهرام و معابد میباشد

اهرام - اهرام مقابر فراعنه است و آنها را بمحبوسین و رعایا ساخته اند

احجاریکه برای ساختن این اهرام بکار رفته بقدری زیاد است که



میتوان توسط آنها دیواری کشیده بارتفاع دو متر و بطول هزار

فرسنگ و در مرکز اهرام مقبره و تابوت پادشاهان بوده

مصریان معابد و قصرهای زیادی برای خدایان و سلاطین ساخته در

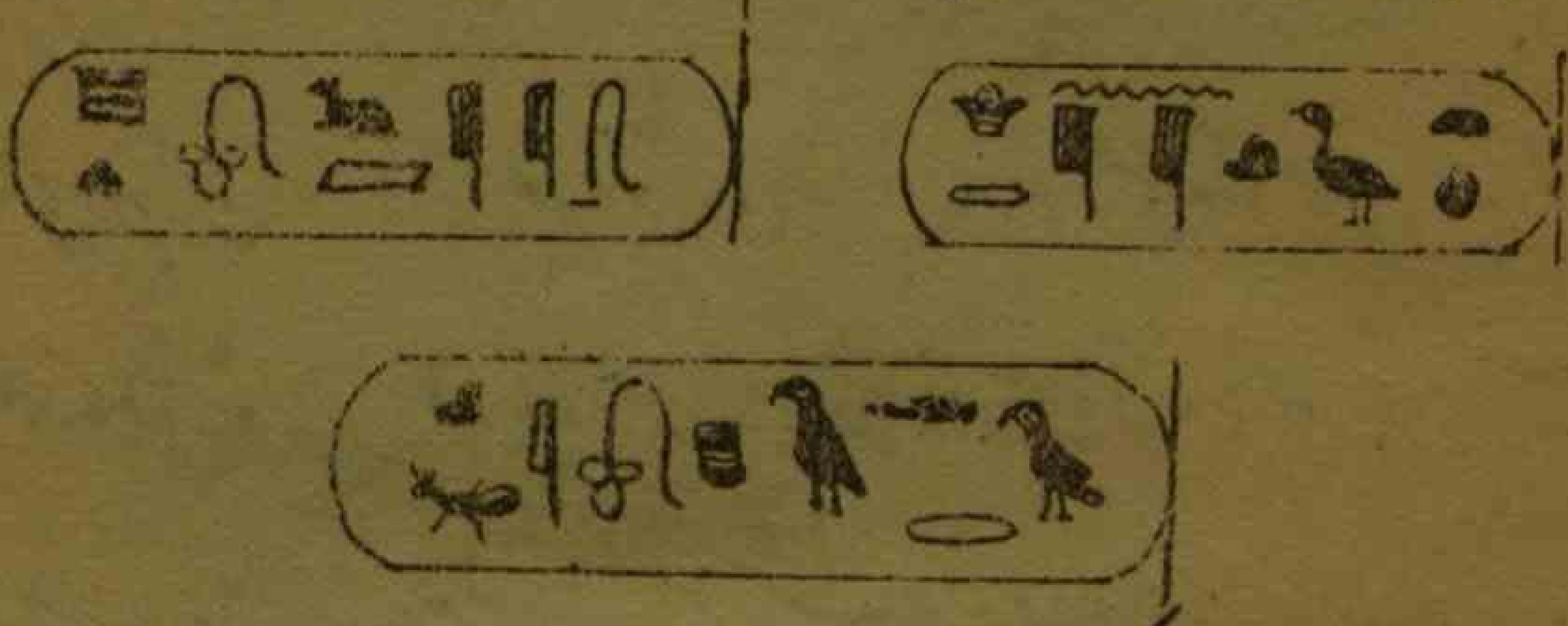
جلو آنها ستونهای سنگی یکپارچه قرار داده و در اطراف آن مجسمه های سنگی



موسوم بابوالهول قرار میدادند

خطوط مصری

مصریان خطوطی اختراع کرده بودند که بسیار متعدد و هر کلمه علامت
مخصوصی داشت و کاغذ آنها از گیاهی بوده که در ساحل نیل میروئید
و همچنین بانی های ساحل نیل قلم تراشیده مینوشتند



کلده - آشور

کلده ولایتی است که امروز آنرا عراق عرب مینامند - و شهرهای
عمده آن بصره - و بغداد - و کربلا - و نجف اشرف است
این شهرها در قدیم نبوده و بلاد دیگر بوده که حالیه خراب است
آشور هم ولایتی است که در شمال کلده یعنی عراق عرب بوده و امروز
کردستان و ولایت آن مجاور آنست
اهمیت کلده و آشور برودی است که موسوم بفرات و دجله است
این دو رودخانه که سبب آبادی و حاصلخیزی آن ممالک است از

کوههای شمالی سرازیر شده و در نزدیکی بصره بهم متصل گردیده و تشکیل شط العرب را میدهند

اراضی که در میان دجله و فرات واقع است جزیره و بین النهرین میگویند

زمینهای بین این دو رود را کلده و قسمتی از آنرا آشور مینامند

تاریخ کلده و آشور بواسطه کاوشهای در خرابه ها بعضی آثار و علاماتی بدست آمده که تقریباً هشت هزار سال قبل متمدن بوده اند

باندازه رفع احتیاجات خود را مینمودند در احجاری و کوزه گری مهارتی بسزا داشته اند

مهمترین و معروفترین بلاد کلده بابل است که آنهم خراب و در نزدیکی کربلا واقع است

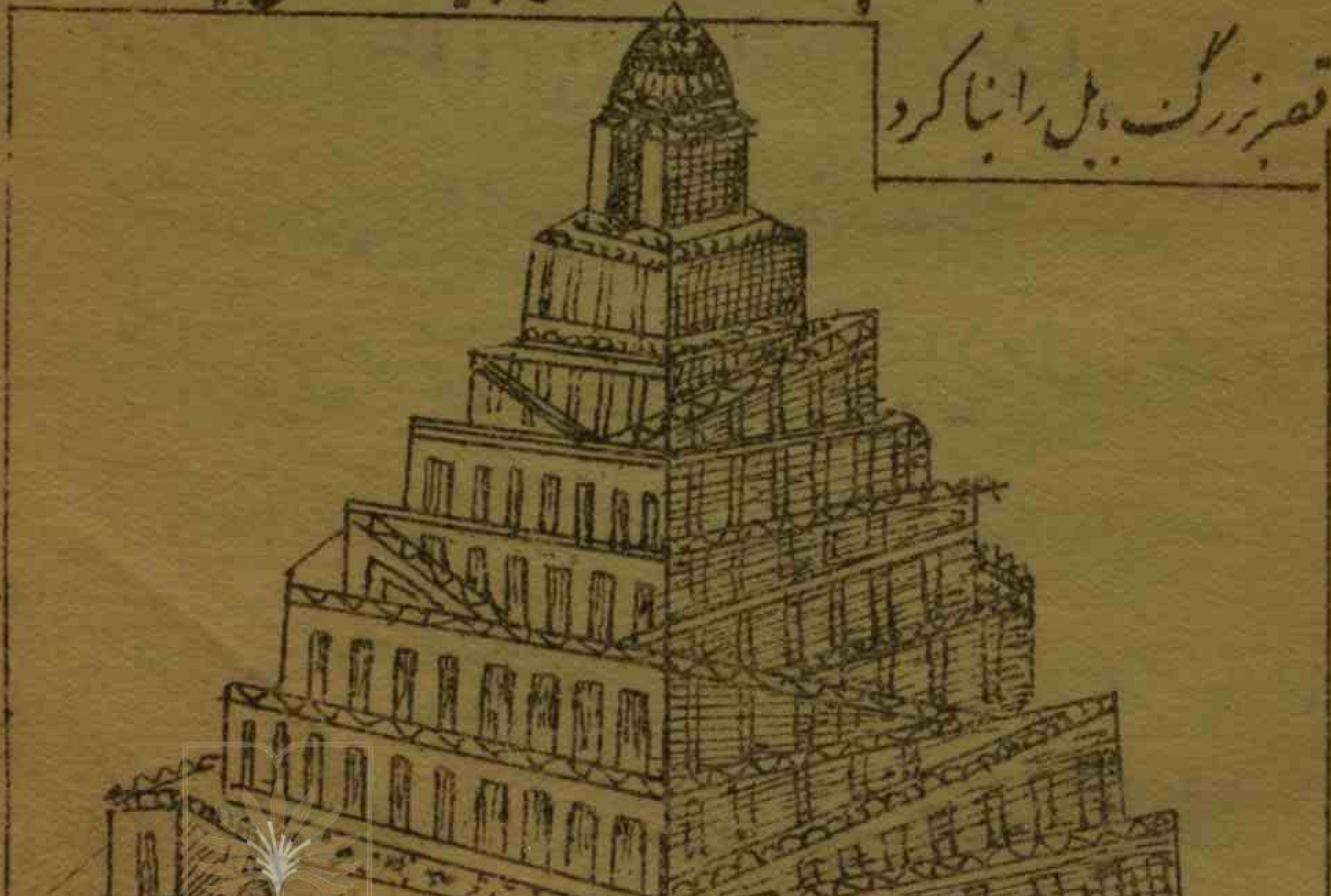
بابل بواسطه ابنیه و عظمتش مشهورترین شهرهای عالم بوده و تقریباً هزار سال قبل از میلاد دولت بابل ضعف و سستی یافته و مخصوصاً ترقی دولت آشور بابل را از اعتبار انداخت

تاریخ آشور

آشوریان ابتدا تابع دولت کلده بودند و از سه هزار و پانصد سال قبل
از میلاد شروع بترقی نمودند و کم کم شوکت و عظمت یافتند کلده و بعضی
ممالک دیگر را مسخر ساختند و شهر نینوا را که در کنار دجله و ناحیه موصل
امروزی بنا کرده پایتخت خود قرار دادند

فتوحات آشوریان

ملت آشوری جنگجو و غارتگر بوده اند و مشهورترین سلاطین آنها
(نبوکد نصر) بود که او را بخت النصر میگویند
مدت سلطنت را بجنگ پرداخته شهرهای بیت المقدس و تیر را مسخر نمود
قصر بزرگ بابل را بنا کرد



مذهب آشوریان — علما مذهبی آشوری پرستش خدای یگانه را مینموده

لیکن ملت آشوری بت پرست و ستاره پرست بوده اند

آشوریان خسوف ماه را حساب نموده جدول ضرب را اختراع نمودند

و نخستین مقیاس و اوزانی تشکیل دادند که نزد تمام ملل قدیمه شایع شد

آشوریان پارچه بافی و کوزه گری را اختراع و حجاری و معماری را

نیکو میدانستند

بنی اسرائیل

یکی از طایفه قدیمه ملل مشرق بنی اسرائیل میباشند که در دو هزار

سال قبل از میلاد تمام چادرنشین و در فلسطین و کنعان ها بسر میبردند

پیران قبائل تسلط تامی داشته اند و آنها را مشایخ مینامیدند

و مشهورترین آنها ابرهیم و اسحق و یعقوب میباشند

در فلسطین قحطی سختی ظاهر شد و بنی اسرائیل از مسقط الرأس خود هجرت

نموده بمصر آمده فراعنه آنها را بشفقت و رحمت زیاد واداشتند

حضرت موسی ع — یکی از این طایفه یهودیان را از مصر بیرون برده

و نوامیسی چند برای آنها مرتب نمود که بترتیب ذیل ذکر میشود

تمام بنی اسرائیل باید پرستش خدای یگانه را بنمایند

هر کس بت پرست باشد مشرک است — احترام پدر و مادر بر اولاد لازم



و واجبات — دزدی

و قتل از گناهان عظیمه محسوب

میشوند — شهادت دروغی

نباید داد — درپی اذیت هیچکس

نباید بود

سلاطین — بعد از حضرت موسی ع

یکی از بنی اسرائیل موسوم به ژزوئه یهودیان را به فلسطین یا ارض موعود داده

مدتی در تحت تسلط قضات زندگانی نموده بعد پادشاهی اختیار کردند و

مشهورترین سلاطین آنها شاءول و داود ع و سلیمان ع میباشند

بیت المقدس پایتخت و شهر مقدس بنی اسرائیل بوده و حضرت سلیمان معبد

آنرا در هشت سال تمام نمود

اسارت بنی اسرائیل

بعد از سلیمان قبائل بنی اسرائیل بدو قسمت شده بنای مخاصمه را گذاشتند

و عاقبت یکی از پادشاهان آشوری تبولد نصر پایتخت [illegible]

خراب بنی اسرائیل را باسیری به بابل بردند تا اسارت هفتاد سال طول کشید

پیغمبران – تمام صدمات و آفاتی که بطایفه بنی اسرائیل وارد میامد پیغمبران چندی که مشهورترین آنها بدین تفصیل است پیشگوئی مینمودند

ایلیاه و حزقیل و یرمیاه

مسیح – بعد از مدتی **کورش** پادشاه ایران بنی اسرائیل را از اسارت خلاص و آنها را بفلسطین مراجعت داد و در اینوقت عقیده اینطایفه بر این بود که از جانب خدا شخصی مسیح نام فرستاده خواهد شد که ملت بنی اسرائیل را ترقی و بزرگ خواهد کرد

حضرت عیسی – چون حضرت عیسی علیه السلام مبعوث به پیغمبری گشت بنی اسرائیل او را به پیغمبری نشناختند صدمات زیادی براو وارد آوردند و عاقبت او را بدار زدند و چند نفر از اصحاب خاص آنحضرت باطراف رفته مردم را موعظه نموده دین عیسوی را رواج دادند

پراکنده شدن بنی اسرائیل

هفتاد سال بعد از حضرت عیسی ع بنی اسرائیل که مدتی دیگر در تحت تسلط

رومیان بوده بخیال استخلاص خود افتادند اینده فعه رومیان بیت المقدس را
سوزانیده و از آن بعد در تمام ممالک پراکنده گشتند

اهمیت طایفه بنی اسرائیل

ملت بنی اسرائیل کوچک ولی اهمیت آن [illegible] ملل زیادتر است زیرا که
آنها پرستش خدای یگانه مینموده در صورتیکه سکنه سایر ممالک بت پرست
بودند و همچنین دین عیسوی از آن تولید گشته است

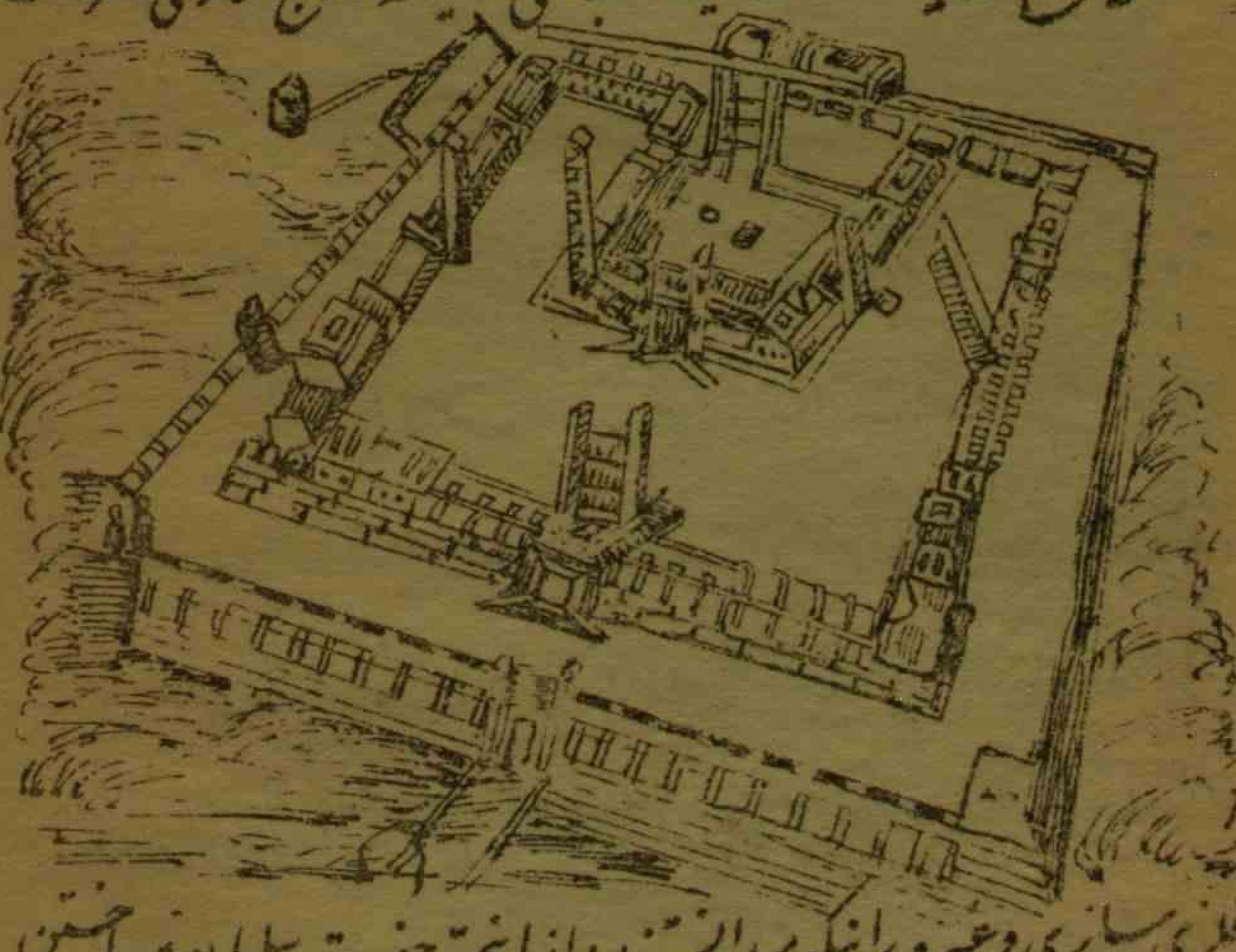
فنیقیه - فنیقیه میان بحر الروم و جبال لیبان واقع و شهر عمده آن
تیر بوده و سکنه آن با غالب ممالک تجارت داشته اند

مستعمرات فنیقیه - چون اراضی فنیقیه عقیم بود لهذا مجبور بتجارت شده
و چوبهای سدر کوه لیبان را گرفته و از آن کشتیهای زیاد ساخته در بحرالروم
بحر پیمائی نمودند و در سواحل آن مستعمرات چندی بنا کردند و تقریباً در تمام
جزایر دریای آژ و نیز جن و سیسیل و سواحل افریقا و اسپانیا مهاجرت نموده
و در آنجا متوطن گشتند

کارتاژ - مشهورترین مستعمرات فنیقیها شهر کارتاژ بوده که در مکان
شهر تونس حالیه واقع شده بود

تجارت فنیقیها — سکنه تیر و کارتاژ از سواحل آسیا و افریقا خاک
طلا و عطریات و ادویه جات و از اسپانی نقره و از دریای بالتیک
عنبر جمع نموده بمملکت خود میاوردند و بدین لحاظ شهر کارتاژ و تیر
غنی ترین شهر دنیای قدیم بوده

صنایع فنیقیها — فنیقیها صباغی و شیشه و عاج سازی و ظروف



فلزی سازی وغیره را نیکو میدانستند و از اینجهت حضرت سلیمان ساختن
معبد بزرگ بیت المقدس را بایشان واگذاشت

خدمات فنیقیها — خدمات متعدد فنیقیها بر سایر ملل بسیار است
نسبت بانچه در طریقه تجارت مذکور شد که حروف الفبای مصریان متعدد بوده

وسکنه فنیقیه بیست حرف آنرا اختیار نموده الفبائی تشکیل دادند دو حرف

اول آن آلف و بتا بوده و از اینجا است که کلمه الفابت تشکیل یافته است

مدی — مدها و ایرانیان تقریباً هفتصد سال قبل از میلاد یک طایفه

از ایرانیها بودند که در قسمت مغرب و شمال غربی ایران که آنزمان مادای

(مدی) نامیده میشد دولتی تشکیل کردند و همدان را پایتخت خود قرار

دادند

پادشاه مادای با بابلیها عقد اتفاق بسته متفقاً با سلطان آشور جنگ

کردند و او را مغلوب نموده مملکت آشور را میان خود قسمت کردند بعد از آن

پادشاه مادای ارسناخ قسمت اعظم ایران حالیه را در تحت قدرت و

تسلط خود درآورد و دولت مادای دولت عظیمی شد

(سلسله هخامنشی)

موسس سلسله هخامنشی کورش کبیر پادشاه فارس که تقریباً

(۵۵۰) سال قبل از میلاد زیردست پادشاه مادای بود و نسبت

باو طغیان کرده و براو غلبه نمود دولت ایران از مادای بفارس

منتقل گردید

چون کورش پادشاه شجاع و باکفایتی بود علاوه بر تمام ایران ممالک



شکل ۱۰

بابل و آشور و لیدی
و سوریه را هم مسخر کرد
و تمام آسیای غربی را
متصرف شده دولت
بزرگی تأسیس نمود که از آن
دولتی باعظمت و شوکت
دیده نشده بود

(کامبوزیا) پسر کورش مملکت را مسخر کرد و ایرانیان صاحب اختیار تمام
دنیای قدیم شدند

پس از وی بواسطه گوماتای غاصب مشهور با شمردیس مملکت را شورش
غریبی فرا گرفت

داریوش که از سلاطین بزرگ هخامنشی است بعد از کامبوزیا بسلطنت رسید
در مدت هفت سال تمام اغتشاشات مملکت را رفع نموده اهل بابل را
که شورش نموده بودند بتدبیر و زیرکیش مطیع نمود

مملکت را به بیست و سه ولایت قسمت کرد
در فناکس مصر آثاری از خود گذاشت این پادشاه قسمتی از هندوستان را
متصرف شد و در آخر سلطنت خود با یونان نزاع کرد ولی کاری از پیش نبرد



بعد از آن پسرش خشایارشا
آتن را فتح نمود آخر الامر
مغلوب یونانیان گردیده تراس
و مقدونیه را از دست داد
جانشین خشایارشا پسرش اردشیر دراز دست مملکت مصر را که مغشوش
شده بود منظم نمود بعد از او داریوش دوم سر بلندی ولایتهائی را که
شورش کرده بودند آرام نمود و سپس قشون خود را بطرف یونان حرکت داد
چون طوفان سختی واقع شد قشون ایران در دریا غرق شدند
هشتمین پادشاه این سلسله اردشیر دوم است که در زمان او برادرش کورش
اصغر با صد هزار مردم وحشی و سیزده هزار یونانی بجنگ او آمده کشته
شد و از یونانیان ده هزار نفر بوطن خود برگشتند
آخر این سلسله هخامنشی داریوش است چون مملکت پیش از او ضعیف شده بود

این پادشاه مغلوب اسکندر کبیر شده و عاقبت بدست یکی از سرداران کشته شد و دولت با عظمت و شوکت دویست ساله هخامنشی بوجود او منقرض گردید

۱۲



اسکندر مقدونی ممالک یونان و مصر و ایران و قسمتی از هند را متصرف شد و شهر استخر را آتش زده خراب نمود

مذهب و آیین و اخلاق ایرانیان قدیم

مذهب ایرانیهای قدیم آیین زردشتی و کتاب مذهبی آنان زند و شرحش اوستا بود

و عقایدشان این بود که چیزهای خوب از قبیل آبادی و عدل و نور و غیره را یزدان و چیزهای بد مانند ظلمت خرابی و ظلم و غیره را اهریمن آفریده میگفتند این دو خالق همیشه با هم در نزاعند ولی عاقبت یزدان غلبه کند و خیر عالم گیر گردد

ایرانیان از طایفهٔ هند و اروپائی یا اریان بوده اند که از دهنهٔ هندوکش و سواحل نهر جیحون غربت نموده قسمتی از آنها در مملکت پارس و مدی و نواحی آنها اقامت گرفتند

اینطایفه با هوش و زرنگ و در شجاعت و جوانمردی و صداقت و راستگوئی مشهور آفاق بودند ولی در اواخر سلسلهٔ هخامنشی قدری تن پرور و عیاش گشتند

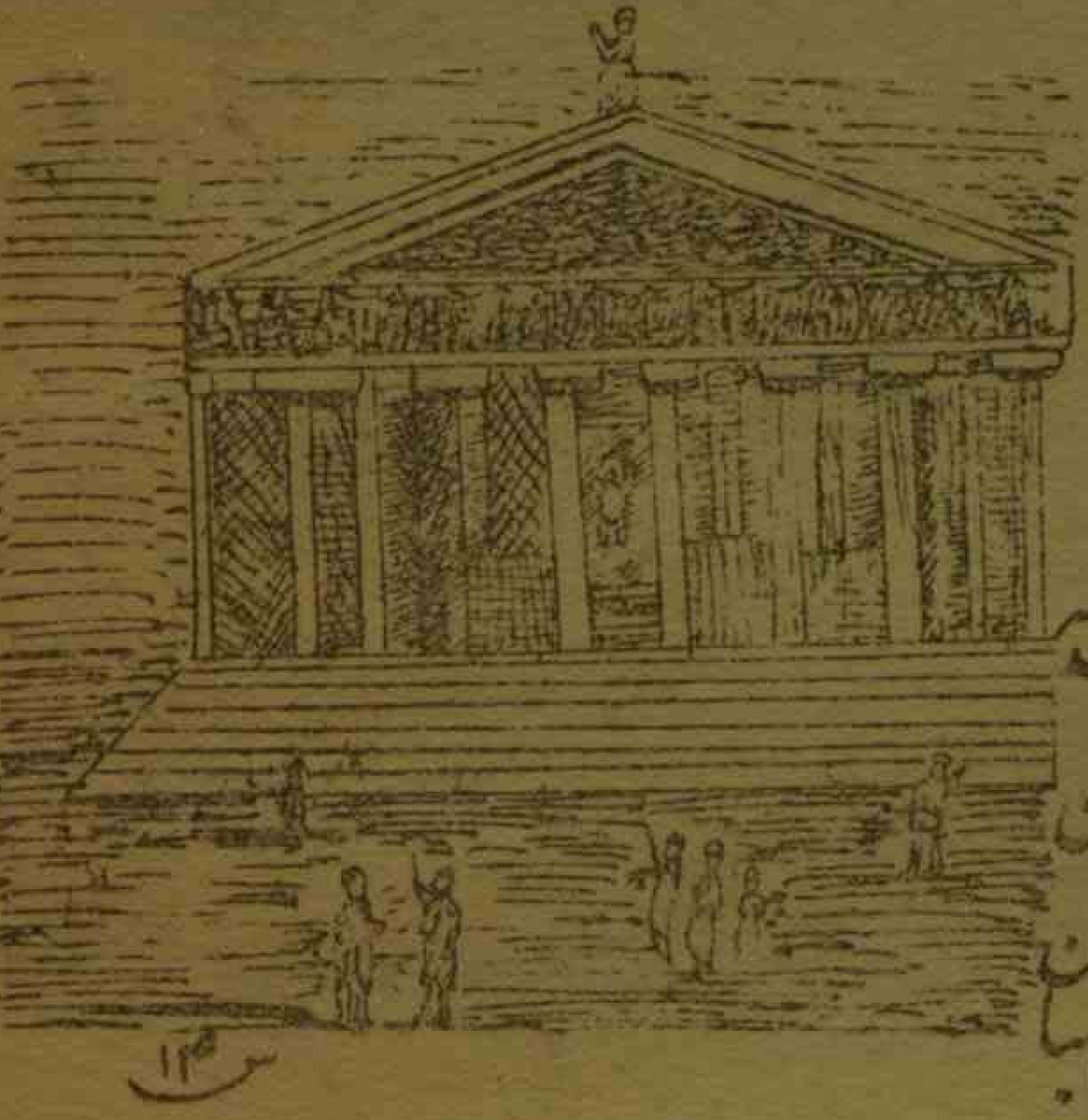
یونانیان — یونان مملکت کوچکی است کوهستانی در جنوب اروپا در زمان قدیم مسکن طایفه بود که بزراعت و چوپانی مشغول بودند ولی بعدها ترقیات فوق العاده نموده در معماری و حجاری و بسیاری از علوم و فنون مشهور گشتند

س ۱۱



یونانیها خداوندان متعددی را میپرستیدند و هر یک را رب النوعی میدانستند امثال رب النوع جهان — رب النوع عقل — رب النوع حسن

یونانیها انواع و اقسام معبدهای قشنگ برای خداوندان . ذده و مجسمه



اینها را مثل انسان
میساختند و برای آنان
قربانیها میکردند
یونانیها وقایع از منه قدیمه
خود را با افسانه های شیرین
مخلوط کرده و شعرای ایشان
آن داستانها را بخوبی پرورده مشهور عالم گردیدند
بزرگترین شعرا (همیر) بود که اهل اروپا او را استاد و شاعر بی نظیر میدانند
یونانیها بسیار بافراست و هوش بودند و حکما و فضلاء بزرگ میان آنان
پیدا شده از قبیل بقراط طبیب و سقراط و افلاطون و ارسطو
و ارشمیدس و اقلیدس و بسیاری دیگر که معلومات سایر ملل قدیمه را
تکمیل کرده و از خود بر آن افزوده اساس علم و حکمت را گذاشتند

مستعمرات یونانیان

یونانیان از آنجائی که در بحر پیمائی ماهر بودند و مملکت آنها کوچک

و تغذیه آنها کمی نمود هجرت کرده در ممالک خارجه شهرهای زیادی ساختند

شهرهای یونان — بزرگترین شهرهای یونان اسپارت و آتن بود

سکنهٔ اسپارت — مردم اسپارت کوهستانی و عموماً در فنون نظامی کار میکردند هر گاه اولاد آنها ناقص الخلقه یا مریض بودند آنها را میکشتند در تابستان و زمستان پا برهنه حرکت میکردند اولاد خود را برای جنگ تربیت مینمودند و آنها را بریاضت و سختی و بدگذرانی عادت میدادند و در ورزش و حیله بی اندازه کار میکردند و بعلم و هنر توجهی نداشتند زندگانی آنها بسیار ساده و تابع قوانین خیلی سخت بودند

شکل ۱۵



قانون گذار اسپارت لیکورگ بوده که در هشتصد سال قبل از میلاد میزیسته

وطن پرستی مردم اسپارت

اسپارتیان از جان و مال و ناموس گذشته در حفظ وطن میکوشیدند

مردم آتن — آتنیان مانند اسپارتیها شجاع و وطن پرست بودند لیکن بر خلاف آنها اهل تجارت و ثروت و خوش گذران و مایل بعلم و فضل و شعر بودند از اینجهت محبوب تمام سکنه یونان شدند مردم آتن متمدن تر از اسپارتیان بودند و بیکاری و تن پروری را از گناهان عظیمه محسوب میداشتند مهمان نوازی یکی از خصایل عمده ایشان بوده و مقنن آنها (سُلُن) بوده که در سال (۵۹۱) قبل از میلاد زندگانی مینمود

جنگهای مدی — یونانیان وحشت زیادی از ایرانیان داشتند زیرا که ملت آنها متمدن و مقتدر تر از سایر ملل بوده اند و جنگهای آنها با ایران موسوم بجنگهای مدی است

جنگ آتن چهار صد و نود قبل از میلاد در جنگ اول ایرانیان بحکم داریوش بر آتن حمله بردند و ده هزار نفر آتنی بریاست میلیاد و آنها را بجلگه ماراتن کشانیده شکست فاحشی بایرانیان دادند و مقدار زیادی از عساکر ایرانی خود را بدریا افکنده غرق نمودند

بعد از ده سال دیگر خشایارشا پسر داریوش با یک [illegible] قشون و پانصد

کشتی بمالک یونان تاخت و تاز کرده آتن را آتش زده بعضی مستعمرات یونان را متصرف شد ولی قشون بری و بحریش شکست خورده ایالات فتح کرده را بیونانیان تسلیم کرد

این واقعه بجنگ اول و دوم مدی معروف شد در آنزمان دولت مدضمیمه مملکت پارس بود

اقینه ارآتن پس از جنگ آتن بزرگترین و متمدنترین شهرهای یونان گشت

پریکلس — پریکلس در وطن پرستی و فصاحت و عدالت در حکومت سرآمد عصر خود بود و در زمان او آتن رو بترقی و آبادی گذاشت بدینجهة آنزمانرا هم موسوم بعصر پریکلس نامیدند

پادشاهان اشکانی

۱ اسکندر چون مرد بزرگی بود و فتوحات زیاد کرد او را اکبیر لقب دادند اسکندر بیش از ده سال در ایران سلطنت نکرد و چون وارث صحیحی نداشت مملکت او میان سردارانش تقسیم شد

یکی از ولایتهای اسکندر

شام بود آنرا سلوکوس

که از سرداران بزرگ

اسکندر بود متصرف شد

وایرانرا نیز مسخر کرد و

وارث مملکت کیان گردید

ش ١٦



اولاد سلوکوس بیشتر از صد سال ایرانرا در تصرف داشتند وآن سلسله را

سلاطین سلوکید میگویند

سلاطین سلوکید باکفایت نبودند نتوانستند ممالکی را که پدران آنها

بدست آورده نگاهدارند

در خراسان طایفه بودند تورانی بمثل ترکمنها که آنها را پارت میگفتند این

طایفه وحشی وبت پرست بودند ودر تیر اندازی مهارت تامی داشتند

یکی از بزرگان پارت که اشک نام داشت با سلاطین پارت زد وخورد

نموده تا در یکی از جنگها کشته شد

اولاد او تا سلسبت نام موتس همه اسم خود را اشک گذاشتند واین

واسطه آن سلسله را اشکانیان گویند

پادشاهان اشکانی با سلاطین سلوکید بنای کشمکش را گذاشتند و دولت
را از دست آنها گرفتند آخر الامر تمام ایران را متصرف شدند و دولت
معتبری تشکیل دادند

کسانی که سلطنت و مملکت اشکانی را وسعت دادند و اعتبار اشک ششم
مهرداد اول – اشک هفتم – فرهاد دوم بودند که دست سلوکیدها را
از ایران کوتاه کردند

آنزمان در اروپا دولت معتبری بود که آنرا دولت رم میگفتند که امروز
پایتخت ایطالیا است آن دولت کم کم تمام اطراف ممالک خود را گرفته
باسیا آمدند و مملکت شام را هم از سلوکیدها گرفتند و آن بلد را متصرف
کردند و بنابراین با مملکت اشکانیان همسایه شدند

حاکمی که از جانب دولت رم بشام آمد کراسوس نام داشت حاکم مزبور
میل کرد ایران را بگیرد پادشاه اشکانی که در آنوقت ارد اول پادشاه
ایران بود قشونی جلو کراسوس فرستاد تا او را شکست دادند و سرشرا
بریده برای ارد آوردند

چند سال بعد یکی از سه داران بزرگ روم موسوم بکراسوس بخیال گرفتن ایران افتاد و سردار اشکانی پیش آمده از آن جلوگیری کرد و تقریباً بیست هزار نفر رومیان در این جنگ بهلاکت رسیدند

تولد حضرت عیسی ع در آخر سلطنت فرهاد بوده است

پادشاهان اشکانی مکرر با دولت روم نزاع کردند اما چون دولتشان ضعیف شده بود نمیتوانستند با آن دولت برابری کنند چنانکه یکی از امپراطور روم شهر مداین پایتخت ایران را گرفت و تخت طلای اشکانیان را برد و بعد از آن باز چند مرتبه رومیها به ایران دست اندازی کردند و اشکانیان از عهده جلوگیری آنها بر نیامدند

چون پادشاهان اشکانی اصلاً ایرانی نبودند و چشمی بت پرست بودند ایرانیها مایل بسلطنت آنها نبودند همینکه دولت اشکانی ضعیف شد ایرانیها بخیال افتادند که مملکت خود شانرا از دست پادشاهان اجنبی بیرون آورند در این وقت یکی از بزرگان ایران که اردشیر نام داشت با پادشاه اشکانی که موسوم به اردوان چهارم بود بشورید و با او جنگ کرد و او را مغلوب نمود و کشت و دولت اشکانی را در سنه ۲۲۶ میلادی منقرض ساخت و خود او

و پادشاه ایران شد

رُم — رم شهریست در ایطالیا در ساحل بحرالروم عقیده رومیها

اینست که اینشهر را شخصی موسوم به (رومولوس) با برادرش

بنا نموده

رومیها ابتدا بجز زراعت و جنگ و جدال چیزی نمیدانستند ولی پس از

چندی بواسطه آمیزش با یونانیان و اهالی آسیا در علوم و فنون پیشرفت

بسیار نموده و در صنایع و مجسمه سازی و معماری ماهر شدند

جمهوری رُم — پادشاهان رم خودسرانه سلطنت میکردند بانجهة

رومیان اتفاق کرده در سال پانصد و نه قبل از میلاد تارکن پادشاه

خود را تبعید کردند پس از آن هر سالی دو نفر از اشراف و بزرگان را

برای ریاست جمهوری انتخاب و آنها را کنسول مینامیدند

کنسولها باتفاق مجلس سنا مملکت را اداره مینمودند

جنگ خواص با عوام — رومیها بدو طبقه منقسم بودند خواص و عوام

رومیهائی که از خانواده قدیم روم بودند اعیان و خواص شمرده میشدند

و آنهائی که از خلاف رومیان نبودند عوام مینامیدند

خواص میخواستند بتنهائی ریاست داشته باشند بدینجهة بعوام حق کنسول شدن را نمیدادند بنابراین آنها همیشه باهم نزاع داشتند

چون عوام از داشتن ریاست محروم شدند از رم خارج گشتند اشراف چون بوجود آنها محتاج بودند ناچار شده بعوام یعنی پلبین ها اجازه دادند که ما بین خود دو رؤسائی انتخاب کنند این رؤسا را تریبون میگفتند، که بتوانند کنسولها را از کارهای خلاف منع نمایند ولی اینکار بار بمفید واقع نشد مجدداً عوام بشورش آمده و خواستگار مساوات و شرکت در امور گردیدند بدینجهة سالهای دراز در میان این دو طایفه کشمکش در کار بود عوام کم کم خواص را مجبور کردند که اختصاص و امتیاز را از خود سلب کنند و بالاخره در اواخر مائه چهارم قبل از میلاد عوام و خواص از هر جهت در حقوق مساوی یعنی عوام حق کنسول شدن را یافتند

جنگهای داخلی رم — رومیان در تمام این مدت مطیع مجلس سنا بودند و کنسولها امورات سیاسی را بمشورت مجلس سنا انجام میدادند در آن وقت بواسطه جنگهای متمادی بقدری از خون رومیان کشته شد که بعد بنا بهیچکس از رومی حقیقی باقی نماند بدینجهة اشخاص خارجی بجهة تحصیل

ولی در قشون روم داخل شدند
چون امپرورهان در راه ترقی مملکت [illegible] کار نمیکردند بنابراین از تبعیت سر
کردگان خارج شدند و سرداران لشکر بخیال سلطنت افتادند از آنجمله
سه نفر سردار بزرگ بودند که هر یک میخواستند تمام روی زمین را مالک شوند
اولین از سرداران مزبور پومپه بود که پیشرفت عمده دولت روم در
آسیا بواسطه وجود او شد
و دیگری ژول سزار یا قیصر که فتوحاتش در مغرب مشهور است



در سابق
نوشته ایم
که کراسوس
از جانب
دولت روم
حاکم شام
بود و در جنگ با اشکانیان مقتول شد
بعد میان قیصر با پمپه بهم خورده کار بجنگ و جدال کشید و پمپه مغلوب

وکشته گردید

قیصر دارای قدرت تامه شد رومیها را قیصر را بقتل رسانیدند

بعد از قیصر پسر خوانده اش (اکتاو) عزم کرد قصد قیصر را انجام دهد

کوشش نمود تا اینکه بر انتوان غلبه کرده بدون اینکه اسما پادشاه باشد

قدرت سلطنت را حاصل کرد و زمام کلیه امور را بدست گرفت و خود امپراطور

ملقب به اگوست شد

امیر تیمور



چون اگوست

امپراطور شد

طرح دوستی

با فرهاد چهارم

ریخت تحف

و هدایای زیاد بعلاوه کنیزکی رومی برای پادشاه فرستاد

حضرت عیسی در اواخر سلطنت اگوست و فرهاد چهارم متولد شد

ایالات روم - امپراطوران ممالک انگلیس و فرانسه و اسپانیول و

اطریش و تمام اروپای عثمانی و آسیای صغیر و مصر و غیره را متصرف

شده بچهل و شش ایالت تقسیم گرده و بهر یک ایالت حاکمی فرستاده و مباشری جهت جمع آوری مالیات روانه کرده و زبان ساکنین این ممالک لاتین بود.

قیاصره روم — دوازده امپراطور اولیه در مدت ۱۲۴ سال سلطنت نموده بقیاصره معروفند و اغلب آنها ظالم و بیرحم بوده و صدمات زیادی باهالی وارد آورده‌اند

نتیجه استبداد امپراطوران کم کم ضعف و زوال ممالک روم را فراهم کرده و در دوره امپراطوران چندان افتخارات نظامی و جنگی برای روم حاصل نشد

قسمت عمده از جنگهای امپراطورها با سلاطین اشکانی و بعد از ایشان هم با پادشاهان ساسانی بوده و در این محاربات گاهی غالب و بیشتر اوقات مغلوب میشدند

تقسیم قطعی دولت امپراطوری روم

دولت امپراطوری روم بواسطه سوء اعمال و بی کفایتی از حیث مادی و معنوی رو بانحطاط و ضعف گذارده ... معنوی افتاد

فتنه‌های داخلی و وجود بهره‌ی لشکریان و حملات دول همسایه موجب اختلال امور باد به هرج و مرج مملکت گشته

بالاخره برای آنکه اداره و نگاهداری مملکت آسانتر شود دولت روم را بدو قسمت منقسم نمودند

یکی غربی و پایتخت آن رم و دیگری شرقی و پایتخت آن قسطنطنیه دولت شرقی مدت ده مائه طول کشید و عاقبت بدست ترکان در سال (۱۴۵۳) میلادی منقرض گردید

و دولت غربی پس از یک مائه بدست یکی از رؤسای هشردل ها موسوم به (اُدُوآکر) منقرض گردید

سلسله ساسانی

مؤسس سلسله ساسانی اردشیر پسر بابک حاکم فارس است پایتخت او را بابکان گویند

چون جد اوش ساسان نام داشت اولاد اردشیر را که در ایران پادشاهی کرده اند سلسله ساسانیان گویند

اردشیر بابکان بعد از مقهور کردن اشکانیان با دولت روم بنای جنگ را گذاشت و امپراطور روم را شکست داد و مملکت ارمنستان را که از

ولایات ایران بود میخواست مستقل باشد مسخر بود



کار بزرگ اردشیر
احیای دین زردشتی
و علوم و ادبیات
ایرانها بود زیرا که
دین و تمدن ایرانی
در مدت تسلط
یونانیها و پارتهای وحشی بت پرست از میان رفته بود اردشیر دوباره
آنها را رونق داد

خلاصه اردشیر بابکان پادشاه عادل و عاقل و دانا بوده است جانشین
اردشیر پسرش (شاپور اول) بود پادشاه بزرگی بود با دولت روم
جنگها کرد عاقبت والرین امپراطور روم را اسیر کرده بایران آورد
در زمان شاپور شخصی پیدا شد که مانی نام داشت ادعای پیغمبری کرد کتابی
را که معجزه خود قرار داده بود ارژنگ مینامید و در آن تصویرهای
خوب نقاشی کرده بود باین جهت او را مانی نقاش گویند

شغل عمده سلاطین ساسانی زد و خورد با دولت روم بود و اکثر اوقات

نزاع این دو دولت باهم برای ولایت ارمنستان بود

دولت روم میخواست ارمنستان را متصرف شود و دولت ایران آنرا حق خود

میدانست

یکی از جنگهای مهم ایران و روم جنگ نرسی پادشاه هفتم ساسانیان

با دیوکلسین امپراطور روم در این جنگ عاقبت نرسی شکست خورد و

کردستان و ارمنستان و بعضی شهرهای دیگر را بروم واگذار کرد

تلافی این شکست را نواده نرسی که شاپور دوم نام داشت درآورد



شاپور را عربها

ذوالاکتاف

لقب دادند شاپور

بعد از مرگ پدر

بدنیا آمده بود

و از همان وقت

تولد پادشاه بود

در طفولیت او عربها با یران دست اندازی کرده بمردم ایران خیلی اذیت و اذیت کردند

شاپور که بزرگ شد عربها را بیرون کرد و بسیاری از آنها را کشت و بعضی از آنها را که نکشت دوشهای آنها را سوراخ میکرد و طناب از آن میگذرانید باین واسطه او را ذو الاکتاف لقب دادند

شاپور بعد از آنکه عربها را بیرون کرد بخیال افتاد ولایاتی را که روم از ایران گرفته بود پس بگیرد این بود که با روم بنای جنگ را گذاشت و زود خود و لکرد همیشه غالب میشد عاقبت ژولین امپراطور با یران آمد در جنگ با شاپور مقتول شد و رومیها ناچار صلح کردند و ولایاتی را که دیوکلسین از نرسی گرفته بود پس دادند

انوشیروان عادل — بزرگترین سلاطین ایران انوشیروان عادل پسر قباد از سلسله ساسانیان است

این پادشاه مملکت ایران را آباد و دائر کرد و مردم را راحت نمود و لشکر را منظم ساخت و حکام ولایات را از ظلم و تعدی مانع شد و علم و هنر را ترویج نمود

انوشیروان جنگهای زیادی کرد و دشمنان ایران را تماماً ذلیل نمود



از جمله با امپراطورهای
روم هم چندین دفعه
جنگ کرد و آنهارا
مغلوب کرد و از
ایشان خراج گرفت
انوشیروان عادل
وزیر عاقلی هم داشت که بوزرجمهر نام داشت که او معروف است
اسم او انوشیروان خسرو بوده و او را کسری هم میگویند انوشیروان لقب
اوست حضرت رسول محمد بن عبدالله ص در آخر سلطنت انوشیروان عادل
تولد شد

هرمز — پسر انوشیروان برعکس پدر پادشاهی کرد و پادشاهی جابر
و ظالم بود مردم بر او شوریده او را کشتند و پسرش خسرو پرویز را بسلطنت
نشاندند

خسرو پرویز — از پادشاهان معروف این سلسله است این پادشاه

فتوحات بسیار نموده لیکن نتوانسته است آنها را نگاه دارد

در ابتدای سلطنت خسرو پرویز چوبینه که یکی از سرداران بزرگ بداو بود بواسطه بد رفتاری امپراطور براو شوریدند و مدعی سلطنت او شد خسرو بکمک امپراطور روم او را مغلوب و مقتول کرد

چندی بعد میان خسرو با دولت روم بهم خورد و بنای دست اندازی را بخاک روم گذاشت و تمام متصرفات آسیائی روم را گرفت

اسرقل امپراطور روم ناچار بایران حمله کرده اتفاقاً کارش پیشرفت کرد و بسرداران خسرو شکست داد

خسرو از این بابت بدخلق شد و بنای بدرفتاری را گذاشت و بزرگان ایران بتنگ آمدند و با پسر او که شیرویه نام داشت همدست شده خسرو را کشتند و شیرویه را پادشاه کردند

شیرویه در قتل پدر شریک بود بعد از پادشاه شدن تمام برادران خود را کشت لیکن خود هم زیاده از یکسال سلطنت نکرد

چون شیرویه در گذشت بواسطه آنکه از شاهزادگان ساسانی کسی نمانده بود سلطنت ایران مدعیان زیاد پیدا کرد چندی هم دختران خسرو پرویز

سلطنت داشتند عاقبت یکی از شاهزادگان ساسانی را که در جنگ
شیرویه فرار کرده بود پیدا کردند و او یزدگرد سوم نام داشت او را
بپادشاهی قبول کردند

یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی است جلوس او مقارن رحلت
حضرت رسول صلعم و خلافت ابی بکر بود

انتشار دین حضرت مسیح ع

حضرت عیسی ع یکی از پیغمبران اولوالعزم است و در زمان سلطنت



اگوست امپراطور
روم در زمان پادشاهی
فرهاد چهارم
تولد یافت
در آن زمان غیر از
ایرانیان و یهود تمام
ملل دنیا حتی یونانیها و رومیها مشرک و بت پرست بودند وقتی که
ایرانیها بر حقیقت اعظم عالم مسلط شدند مذهب توحید بیک اندازه توسعه

پیدا کرد لیکن ایرانیها چندان متعرض دین و مذهب مردم نمیشدند و در
صدد انتشار دین و مذهب خود نبودند بنی اسرائیل هم از غیر خود کیشان
تمام اقوام و ملل را مستحق و مستوجب هلاک میدانستند و قیدی به تغییر
مذهب نداشتند با نتیجه مذهب توحید تا مدت مدیدی چندان بسط
و تشریع پیدا نکرد و رواج آن بواسطه انتشار دین مسیح ع و حضرت
اسلام صورت گرفت

حضرت عیسی علیه السلام از بنی اسرائیل بود شریعت حضرت موسی را
باطل نمود ولکن بمردم پرستش خدای یگانه و معنی برابری و مساوات و
برادری را آموخت

بعد از حضرت عیسی ع پیروانش که زیاده از دوازده نفر نبودند و آنها را
حواریون عیسی مینامیدند در تمام ممالک روم پراکنده شده انجیل
یعنی بشارت مسیح ع را بمردم تبلیغ کردند و مذهب عیسی را رواج دادند
فقرا اول قبول دین مسیح را نمودند ولی سلاطین که حامی بت پرستی
و خود را از جمله ارباب انواع محسوب میداشتند این مروجین مسیحیت
بیچاره را طعمه حیوانات سبع و شمشیر نموده دست بقتل

وا داشتند ولی هر قدر از آنها کشته میشد عده عیسویان بیشتر میگشت

انقراض روم غربی بواسطه استیلای ژرمنها

ژرمنها قبائلی بودند وحشی و جنگجو در شمال ممالک روم یعنی اطراف
رودهای رن و دانوب اراضی است که امروز ممالک آلمان و اطریش محسوب
میشوند سکنی داشتند شغل عمده آنها زراعت و تربیت حیوانات بود.
این طایفه برای تهیه آذوقه وغیره بمملکت روم مسافرت مینمودند و نمایندگان
از آنها جلوگیری میکردند

ژرمنها — در مائه چهارم میلادی بنای تجاوز و قتل و غارت را بجان
گذاشتند

چون دولت روم دچار ضعف و اختلال بود نتوانست از آنها جلوگیری نماید
پس تمام ممالک روم غربی میدان تاخت و تاز قبائل مزبور شد نتیجه این
شد که در سال (۴۷۶) امپراطور روم غربی بدست ژرمنها منقرض گردید
مورخین این واقعه را خاتمه تاریخ قدیم و ابتدای قرون وسطی
میدانند

تقریباً دویست سال ممالک اروپا میدان تاخت و تاز بوده در این

مدت قبایل متعدده آمدند و رفتند و در آن ممالک تشکیل دولتها دادند
که اکثر از آنها دوام و بقائی نداشت حاصل آنکه در مائه ۷ میلادی
تقارن و اوایل ظهور دولت اسلام در اروپا گذاشته از خاک خود در بینها
ممالک ایطالیا و فرانسه و انگلیس و اسپانیا هر کدام دولتی داشتند که طوایف
مختلفه ژرمن آنرا تاسیس کرده .

مشهورترین قبایل ژرمن که بخاک روم داخل شدند بدین قسم اند
هجوم اولی بواسطه گت ها در سال ۳۷۶ شروع شد و هجوم آخری
بواسطه لمبار ها در سال ۵۶۸ ختم و در اینمدت رؤسای آنها مانند
آلاریک - آداکر - داتیلا - ژنزریک در سه دفعه تمام روم را
قتل و غارت کردند یکدفعه آلاریک - ویزیگتها در سال ۴۱۰
و ژنزریک و واندالها در سال ۴۵۵ و در سال ۴۷۶
سلطنت روم کلیه بدست رمولوس اگوستول منقرض و تمام
دولت منقسم بچند مملکت و بدست ژرمنها افتاد

ناحیه گل - در گل سه طایفه مشهور فرانها و بورگوندها و
ویزیگت ها - کلویس پادشاه فرانها در سال پانصد و هفت

میلادی وزیکت ها را در ژوتی شکست فاحشی داد ایشان به آسپانی
هجرت نمودند بورکند ها دره باین رد ستن و رن را متصرف شده
و گندبو که سلطان آنها بود در سال پانصد میلادی در شهر دیجون
مغلوب کلویس گشت و پسران کلویس تمام ممالک بورگندها را متصرف
شده یعنی تمام گل بدست فران ها افتاد و از آنوقت این ناحیه موسوم
به مملکت فرانها یا مملکت فرانسه گشت

آسپانی — در آسپانی طوایف سوئوها دالن ها و واندال ها
میزیستند و ایالت آندالوزی یا اندلس منسوب بطایفه آخری میباشد
چون ویزیگت ها مغلوب کلویس گشتند به آسپانی آمده و سلطانشان
که موسوم به اریک بود تمام طوایف مذکوره را مغلوب و مقهور و تمام
اسپانی را متصرف شد و ویزیکت ها در سال ۷۱۱ میلادی در جنگ
کرزرس مغلوب اعراب شدند

ایطالیا — هیرولها ملک اداکر سلطان ها ملک مستقل ایطالیا
شدند ولی بعد از مدت کمی تودریک پادشاه استروگتها با ایطالیا
تاخت و در سال ۴۹۰ آنرا مسخر نمود تودریک شخص شهیر میباشد

زیرا که مجلس سنا را منعقد و بعدالت سلطنت نمود ولی افسوس که زود

درگذشت (۵۲۶) و بعد از او یکی از امپراطورهای دولت شرقی

موسوم به ژوستینین ایطالیا را مسخر نمود و خود مغلوب طایفه

وحشی دیگری موسوم به لمبارها ... شد و این طایفه نیز بدست شارلمانی

پادشاه فرانسه منقرض شد

افریقا — در سلطنت ژنسریک واندالها مملکت بزرگی در شمال

افریقا بنا نموده و جزیره کرس و سیسیل را متصرف شدند و شهر کارتاژ را

پایتخت قرار دادند و ژوستینین آنها را نیز مغلوب نمود

انگلیس — بریتانی کبیر یا مملکت انگلیس بدست ساکزنها افتاده آنها آنرا

بچهار قسمت نمودند بعد از آنها طایفه انگل نیز بدین مملکت تاخته سه دولت

در آن تشکیل دادند و از اینجا است که این ناحیه را انگلیس یا مملکت منسوب به انگلها

نام نهادند در مائه نهم اگبرت نیز هفت ناحیه انگلیس را متحد و مملکتی

مستقل تشکیل داد (۸۰۰)

نتایج استیلای وحشیان — اولین نتیجه استیلای وحشیان

تقسیم مملکت بزرگ روم بود چنانکه در گل فرانها و بورگندها و در سنه [illegible] انگلها

و ساکزنها و در اسپانی ویزیگتها و لمباردها ممالک متعدده مستقل بنا نمودند

نتیجه دوم استیلا مانع شدن ترقی ادبیات و علوم و صنایع و فلاحت بعبارت اخری ترقی نکردن تمدن شد

قرون وسطی

ظهور اسلام — فتح ایران

تشکیل و بسط ممالک اسلامی — بنی امیه — بنی عباس — مختصری از تمدن اعراب — طوایفی بودند که هیچگاه مطیع دولت روم نشده و شریعت عیسوی نیز قبول نگشتند قبل از حضرت رسول ص هر طایفه از آنها بتی داشتند و عموما حجر الاسود را که در مکه معظمه بود میپرستیدند

حضرت رسول ص

حضرت رسول ص از میان عرب ظهور کرد و از طایفه بنی هاشم و قبیله قریش بود

این بزرگوار در سال ۵۷۰ میلادی یعنی در سال (۴۰) سلطنت انوشیروان عادل تولد یافته و آن سال موسوم به عام الفیل میباشد

حضرت رسول شد در سن چهل و یک سالگی در مکه معظمه به پیغمبری مبعوث

گردید و مردم را

بدین حنیف

اسلام دعوت

فرمود

دین اسلام در

مکه پیشرفتی نکرد

سکنه مکه با حضرت

ضدیت ورزیده



ناچار بمدینه طیبه هجرت فرمود و آن سال هجرت مبدء تاریخ مسلمانان گردید

مردم مدینه آنحضرت را بخوبی پذیرفتند و تعلیمات او را فرا گرفتند و از آن

تاریخ روز بروز دین اسلام در ترقی بود چنانکه در سال یازدهم هجرت که سال

رحلت حضرت بود تمام عربستان در تحت اطاعت در آمده و عربها

عموما مسلمان شده و دولتی اسلامی تشکیل یافته بود

خلفاء — بعد از حضرت رسول ابوبکر که یکی از صحابه بود بخلافت

مایل گردید و در آن زمان عربها از تبعیت اسلام خارج شدند ابوبکر آنها را
مطیع و مقهور
نمود و لشکری
برای فتح ایران
مامور و یک
دسته سپاه هم
بشام روانه



کرد عمرش کفاف نداده درگذشت
بعد از ابوبکر عمر بن خطاب بخلافت رسید کاریرا که ابوبکر شروع کرده
بود بتدبیر
حضرت امیر
انجام داد یعنی
ایران و شام
را فتح کرد



بعلاوه مملکت مصر را هم مسخر نمود و مسلمین دارای مملکت وسیعی شدند

بعد از عمر عثمان خلیفه شد چون مردم از صفات و اخلاق عثمان رنجیده بودند
او را بقتل رسانیدند و با امیرالمؤمنین ع بیعت کردند

امیرالمؤمنین ع قریب پنج سال خلافت نمود اما چند نفر مدعی خلافت
حضرت شدند و متصل با آنها مشغول جنگ بود بالاخره عبدالرحمن بن ملجم
مرادی در شب نوزدهم ماه رمضان که سال چهلم هجرت بود حضرت را
شهید نمود و امام حسن ع خلیفه شد

مدعی بزرگ امیرالمؤمنین ع معاویه بود که حکومت شام داشت و او دست
از خیال خلافت بر نمیداشت حضرت امام حسن ع مجبور با معاویه بعضی
شرطها کرده و ظاهرا دست از خلافت برداشته انزوا اختیار فرمود و
معاویه برای خود دستگاه سلطنت و جاه و جلال فراهم آورد و خلافت را در
خانواده خود موروثی کرد

بعد از او پسرش یزید که مردی ظالم و فاسق بود بسلطنت رسید و امام حسین ع
را شهید کرد و بسیاری از قبایح دیگر نیز در آن دوره روی داد

فتوحاتی که در آن عصر واقع شد بیشتر در زمان عبدالملک و دو پسرش ولید
و سلیمان بود بنی امیه دارالخلافه یعنی پای تخت را از مدینه بدمشق که

شهر معتبر شام است انتقال داده بودند

خلفای بنی امیه مردمان خوبی نبودند خلافت را قانون اسلام شمار نمی‌نمودند
اما در زمان ایشان دولت اسلام باز وسعت پیدا کرد علاوه ایران و ترکستان
و عربستان تمام قسمت شمالی افریقا و تمام شبه جزیره اسپانیا شد تا آن
وقت کسی دولتی باین بزرگی و معتبری ندیده بود

بنی عباس از دولت بنی هاشم بودند و بخیال افتادند که خلافت را از بنی امیه
بگیرند عاقبت بمقصود خودشان رسیدند

اول کسیکه از بنی عباس بخلافت رسید عبدالله معروف بسفاح بود همینکه
نوبت بنی عباس رسید چون ایرانیها اسباب [illegible] سلطنت آنها را
فراهم کرده بودند در آن دولت ایرانیان محترم و معتبر شدند و اکثر کارها بدست
آنان افتاد و باز دوره ایرانیت شد ۱۲ الی

وزرای بنی عباس بیشتر ایرانی بودند بنی عباس دولت خودشان را بترتیب دول
قدیم ایران کردند نزدیک به این شهر بغداد را ساخته پایتخت خود قرار دادند
در اوایل دولت عباسی شکوه و عظمتی یاد داشت در موقعیکه در زمان
هرون الرشید و پسرش مأمون که مردمان بزرگی بودند

اما خلفای عباسی نتوانستند تمام ممالک اسلامی را در تحت تسلط خود درآورند کم کم ولایتها از دست آنها خارج شده برای خود حکومت مستقل فراهم آوردند

ولایات ایران هم همین کار را کردند یعنی بعد از آنکه دویست سال در تحت حکومت خلفا بودند خود را آزاد نموده و مستقل شدند

تمدن اسلامی — عربها قبل از ظهور اسلام وحشی و بیابانی و بطور بدوی بسر میبردند و از گله داری و سایر کارهای مناسب صحراگردی معیشت مینمودند و غیر از ادبیات و شعر چیزی نمیدانستند

باری در زمان هرون الرشید و پسرش مامون لوازم تمدن از زراعت و تجارت و صناعت فراهم میکردند و از همه بهتر اینکه مسلمین متوجه فضل و هنر و علم و حکمت شدند و از کتب معتبره ایرانی و یونانی اخذ و استفاده کردند علما و فضلا و حکمای بزرگ امثال فارابی و شیخ الرئیس ابو علی سینا و خواجه نصیر طوسی و بسیاری دیگر از هر قبیل در میان مسلمین ظهور کردند و طالبان کمال از ممالک عالم بآن مرکز تمدن رو میکردند

عربها در علوم کثیره از قبیل طب و شیمی و طبیعی ترقی نمودند و

تاسیس کردند و آثار بسیار از خود بیادگار گذاردند

پس از آنکه اعراب آسپانی را متصرف شدند داخل خاک
فرانسه شدند و در حوالی شهر پواتیه در سال ۷۳۲ میلادی مغلوب شدند
فرانسه بواسطه این فتح قدرت و اعتباری حاصل کرد و دولت شارلمانی در
مغرب - امپراطور شارلمانی نوه شارل مارتل بود و دولت لمباردها را
مقهور و قبائل ژرمن را مطیع و منقاد نموده ممالکی را که امروز فرانسه و
بلژیک و هلاند و دانمارک و آلمان و ایطالیا و اطریش و سوئیس خوانده
میشود متصرف شده دولتی وسیع تشکیل داد و در شهر روم تاج امپراطوری را
برسر گذاشت و از آنزمان دنیای ما منقسم به دو دولت متمدن و معتبر بود
دولت غربی پایتختش شهر اکس لاشاپل - و دولت شرقی روم پایتختش
قسطنطنیه - دولت عرب پایتختش بغداد اما روم شرقی از بدو امر چندان
رونق و اهمیتی پیدا نکرد و بحال ضعف و ناتوانی افتاده وجود و عدمش مساوی بود
بنابراین میتوان گفت که در آندوره صاحب اختیاران دنیا شارلمانی و
هرون الرشید خلیفه پنجم عباسی بود

شارلمانی نه تنها پادشاهی مقتدر و در محاربات منصور و فاتح بود بلکه

در مملکت داری نیز مقامی عالی داشته و اسباب امنیت و رفاهیت رعایای
خود را از هر جهت فراهم میکرد و ترویج علم و ادب مینمود

تجزیه دولت فرانک - بعد از شارلمانی طولی نکشید که دولت فرانک
مانند دولت عرب بواسطهٔ جنگهای داخلی و ضعف جانشینهای آن به
قسمت شد و آلمانی و ایطالیا

تجزیه دولت اسلام بخلافت مشرق و مغرب - در ابتدای خلافت بنی
عباس اسپانیا از باقی ممالک اسلام مجزی و در تحت سلطنت بنی امیه
قرار گرفت عبدالرحمن نواده هشام خلافت غرب را تاسیس کرد و شهر کردوا را
پایتخت خود قرار داد

دولت اسلامی اسپانیا یکی از بهترین دولتها بوده و در آن زمان مملکت
مزبور روزهای خوش گذرانیده صنعت و تجارت و علوم کثیره در میان
مسلمین اسپانیا رواج و رونقی بکمال داشته و مدت چندین قرن دار العلم
و مرکز تمدن مغرب زمین محسوب میشد چنانکه پایتخت بنی عباس دار العلم
مرکز تمدن مشرق زمین بود چون مابین دو خلیفه که یکی در بغداد و دیگری در اسپانیا اختلاف
حاصل شد کم کم اوضاع خلافت مبدل بملوک الطوایفی گردید تمت بالخیر

(مطبعه مروی طبع شد) کتبه جمال الدین ۱۳۳۹

تاریخ عالم مصور

جلد دوم

متعلق است بکلاس ششم مدارس ابتدائی دولتی و غیره

مطابق

مواد پرگرام جدید وزارت جلیله معارف

از تألیفات

جناب مستطاب آقای میرزا سید علیخان معلم مدرسه مبارکه
علوم سیاسی

چاپ دوم

حق طبع محفوظ و مخصوص است بکتابخانه مهدیه طهران تیمچه حاجب الدوله

نمره ٤

۱۳۳۹

قسمت دوم از قرون وسطی ایران

(سال ششم)

تأسیس سلسله سلاطین ایرانی و ترک در ایران باختصار بعد از اسلام

صفاریان

نخستین کسی که از اطاعت خلفا خارج شد یعقوب بن لیث رویگر[1] بود
یعقوب همتی عالی و نظری بلند داشت و بصنعت پدر اعتنائی نمیکرد
لهذا با جمعی از معاصرین خود بنای سرکشی را گذاشت و ابتدا بر سیستان استیلا
یافت و متدرجا کرمان و فارس را نیز متصرف شد بعد بسمت خراسان
حرکت نمود طاهریان را که از جانب خلفا حکومت میکردند از خراسان
بیرون کرد و سلسله صفاریان را تأسیس نمود
یعقوب با معتمد عباسی جنگ کرد و لکن از عهده بر نیامد و در نزدیکی بغداد شکست خورد

[1] رویگر این سلسله را بملاحظه شغل پدر یعقوب رویگر مینامند رویگر را در عربی صفار گویند

پس از اندک زمانی درگذشت

عمرو بن لیث — بعد از یعقوب برادرش عمرو بن لیث بخلیفه عباسی اظهار اطاعت کرد و خلیفه هم حکومت فارس و خراسان و اصفهان و کرمان و سیستان را باو واگذار نمود چندی نگذشت که اهالی خراسان از او دلتنگ شدند و خلیفه او را معزول کرد

مجدداً خلیفه پس از چندی باو حکومت داد در جنگی که با حاکم ماوراءالنهر مینمود گرفتار شد و در بغداد او را بقتل رسانیدند

خلف بن احمد — پس از عمرو سلسله صفاریان رو بضعف گذاشتند و فقط در سیستان حکومت میکردند

خلف بن احمد بسخاوت و کرم معروف میباشد و در سنه ۳۹۹ هجری مقهور سلطان محمود غزنوی گردید و سلسله صفاریان منقرض گردیدند مدت سلطنت صفاریان چهل سال و پایتخت آنها در سیستان بوده است

سامانیان — سلسله سامانی در زمان معتمد خلیفه عباسی شخصی موسوم به نصر از نسل سامان حکومت ماوراءالنهر داشت و برادر نصر اسمعیل حاکم بخارا بود معتضد بن دو برادر را باهم انداخته و اسمعیل بر نصر غالب گشت لیکن

باز اسمعیل طریقه احترام را از دست نداد تا آنکه نصر در گذشت و این اسمعیل خود مستقلا حکمرانی ما وراء النهر یافت (۲۷۹) و اول پادشاه سامانی است اسمعیل پادشاهی عادل و نیکوکار بود و با زیردستان بطریق سابق رفتار میکرد

احمد - پس از مرگ اسمعیل پسرش احمد پادشاهی یافت ولی بواسطه بدخلقی بستگان احمد او را کشتند و پسرش را بسلطنت برداشتند

نوح - پسر نصر و از نواده احمد است و این سلطان غالب اوقات مشغول زد و خورد و دفع سرکشان بود از جمله رکن الدوله دیلمی که در آنزمان در عراق نفوذی داشت جنگ نمود

عبد الملک - آخرین پادشاه سامانی عبد الملک بود پسر دوم نوح بزرگ بن سبکتکین سلطان محمود غزنوی موقعی دست آورده چون در عهد او داخله مملکت خیلی مغشوش بود بزودی بخارا آمد عبد الملک و امرای او را دستگیر نمود و دولت سامانیان در سنه ۳۸۹ منقرض گردید

غزنویان

سبکتکین - داماد الب تکین قسمتی از هند را متصرف امیر نوح سامانیرا

کمک نموده نوزده سال سلطنت نمود

سلطان محمود دوم — پادشاه غزنوی و بزرگترین پادشاهان این سلسله و دارای صفات حمیده و عدل و داد بوده است و برای تکمیل فتوحات پنجاب و کشمیر و اصفهان و عراق را گرفت و دولت سامانی را منقرض ساخت و کتاب شاهنامه را فردوسی شاعر معروف در زمان سلطنت این سلطان برشته نظم درآورده است

سلطان مسعود — سلطان محمود در زمان حیات خود سلطنت را بسلطان مسعود واگذار کرد و او در ابتدای سلطنت خود کرمان و بلوچستان را مسخر کرد ولی ترکان سلجوقی در این زمان بجنبش درآمده و خراسان را گرفتند سلطان مسعود خواست از آنها جلوگیری نماید از عهده برنیامد در حین فرار بهندوستان دستگیر شد و مردم برادر او را بسلطنت برافراشتند

انقراض سلطنت غزنویان ۱۴۴) چون محمد برادر سلطان مسعود بسلطنت رسید مودود پسر مسعود از خراسان بغزنین آمد عم خود را کشت و تاج و تخت را متصرف گشت اما سلجوقیان را نتوانست جلوگیری بلاد او کم کم از دست رفت تا آنکه (مودود) درگذشت و سلطنت غزنویان بانتها رسید

اگرچه حکومت این سلسله مدتی باقی بود ولی چون در ایران دستی نداشتند

از پادشاهان ایران محسوب نمیشوند

دیالمه - یا آل بویه

در دوره سلطنت سامانیان بویه نامی از اهالی دیلم (گیلان) سه پسر داشت

وارشد آنها به علی موسوم بود و در مازندران زندگی مینمود و چون شخص با کفایت

و لیاقتی بود از جانب بزرگان مازندران بحکومتی داده شد و در آن حکومت

متدرجا تسلط و قدرت خویش را زیاد کرد و در سنه ۳۲۲ سلسله دیالمه را

تأسیس نمود و از طرف خلیفه عماد الدوله لقب یافت

عماد الدوله - دو برادر دیگر هم داشت یکی حسن و دیگری احمد حسن را

بعراق فرستاد پس از زد و خورد زیاد با سامانیان عاقبت آنجا را متصرف

گشت و ملقب برکن الدوله شد و برادر کوچک او احمد به بغداد رفت و بر

خلیفه مسلط شد و معز الدوله لقب یافت

(عضد الدوله)

پسر رکن الدوله که بزرگترین پادشاهان دیالمه است بسلطنت رسید

عضد الدوله پادشاهی عادل و عاقل بود بعد از عضد الدوله بواسطه نفاق

رو بزوال گذاشت تا اینکه در (۴۴۵) هجری بدست سلاطین سلجوقی منقرض گردید

(سلجوقیان)

سلاجقه - سلجوقیان قومی ترکستانی میباشند که در عهد سامانیان داخل اراضی ایران شده و رئیس آنها سلجوق نام داشته و در ابتدا در ماوراء النهر مسکن بوده و گاه گاهی در صدد طغیان و سرکشی بر میامدند و از آنها جلوگیری شد تا انکه در دوره غزنویان پس از مرگ سلطان محمود این قوم شروع بحرکت نموده و سلطان مسعود غزنوی خواست از آنها جلوگیری نماید شکست خورد

طغرل بیک - اول پادشاه سلاجقه و موسس این سلسله است و چنانچه ذکر شد پس از غلبه بر سلطان مسعود تصرف خراسان و اصفهان و آذربایجان و ری را نیز متملک شد و بواسطه مسخر نمودن بغداد تسلطی بر عباسی بهم رسانیدند و تقریباً دو سال تمام ایران که بعد از سلاطین ساسانی وضع ملوک الطوائف را بهم رسانیده بود مجدداً مجتمع ساخته و تشکیل دولت واحدی داد

طغرل بیک پس از اصلاح و انتظام داخله در صدد اذیت و تعقیب با دولت روم بنای نبرد خود را گذاشت و بر آن دولت غالب شد

طغرل بیک سلطانی با فضل و کریم بود و اہل فضل و علم را محترم میداشت

و در سنه ۴۵۵ در گذشت

بقعره سلطان طغرل بیک در نزدیکی حضرت عبد العظیم علیه السلام است

الب ارسلان — چون طغرل بیک بمرد وارثی نداشت برادر

زاده اش الب ارسلان جانشین او شد الب ارسلان از سلاطین بزرگ

بشمار میاید و پادشاهی عادل و نیکوکار و شجاع بود و بر وسعت دولت نیاکان

خود نیز افزود

خواجه نظام الملک معروف نیز وزیر او بود و رونق سلطنت او بیشتر بواسطه

همین وزیر بود

الب ارسلان با امپراطور روم زد و خورد مفصلی کرده عاقبت ویرا مغلوب

و دستگیر کرد ولی بعد از دستگیری خراجی از او گرفت و امپراطور را رها کرد

و در سال (۴۶۵) اینجهان را بدرود گفت

جلال الدین ملکشاه — پس از الب ارسلان پسر او ملکشاه جانشین او

گردید و در دوره سلطنت این سلطان دولت سلجوقی باوج ترقی رسیده

مملکت در امان و رعیت در رفاه بود و خواجه نظام الملک وزیر پدرش نیز

در زمان سلطنت ملکشاه حیات داشت و با خیالات سلطان همراهی مینمود ولی در اواخر عمر مفسدین برای او در پیش پادشاه اسباب چینی کردند پادشاه او را معزول کرد بعد طایفه اسمعیلیه او را بقتل رسانیدند چیزی از مرگ خواجه نظام الملک نگذشت که ملکشاه هم درگذشت

بعد از سلطان ملکشاه پسر بزرگ آن برکیارق بسلطنت رسید و مدتی با برادرهای خود که مدعی سلطنت بودند در جنگ و زد و خورد بود چون او درگذشت محمد پسر دیگر ملکشاه پادشاه ایران شد و او پادشاهی عادل و نیکوکار بود اول جنگ صلیبی یعنی جهاد صلیبیان با مسلمین برای تصرف بیت المقدس در زمان این سلطان واقع شد

آخرین پادشاه سلجوقیان طغرل سوم است که در سنه ۵۹۰ هجری بدست خوارزمشاهیان که از طرف سلطان سنجر حکومت خوارزم را داشتند مقتول و دولت سلاجقه منقرض گردید

سلاطین سلاجقه با وجودیکه اجنبی بودند با ایران خیلی خدمت کردند و بر وسعت و اعتبار و رونق وطن ما افزودند

حکیم عمر خیام و انوری و سنائی از شعرای بزرگ معاصر این سلسله میباشند

سلسله خوارزمشاهیان

مؤسس سلسله خوارزمشاهیان قطب الدین محمد است که از جانب سلطان
سنجر حکومت خوارزم را داشت و پس از او پسرش اتسز بر سلطان سنجر یاغی شد
و مکرر با او جنگ کرد و بعد از او ایل ارسلان حکومت یافت

سلاطین خوارزمشاهیان نه نفر بودند و آخرین پادشاه این سلسله سلطان
جلال الدین است که مکرر چنگیز را شکست داده ولی عاقبت مغلوب شد
و در سال ۶۲۸ دولت آنها منقرض گردید

سلسله اتابکان

سلاطین سلجوقی اولادان خود را بامرا میسپردند برای تربیت و آنها را
اتابک یعنی پدر بزرگ لقب میدادند و این اتابکان در کار حکومت بودند
و بپادشاهی رسیدند

طایفه در آذربایجان طایفه در فارس طایفه هم در لرستان که
مطیع مغولها بودند

طایفه اول از اتابکان در آذربایجان استقلال یافتند و غیر از ایلدگز
که از امرای زمان سلطان مسعود سلجوقی بود پنج نفر دیگر از خانواده او در

در آذربایجان فرمانروائی کردند که معروفترین آنها قزل ارسلان است

که ظهیر فاریابی و افضل الدین خاقانی او را مدح کرده اند

طایفه دوم اتابکان فارس هستند و در خدمت سلاجقه بودند و حاکم

فارس کار سلجوقیان که اختلال و بهمزدگی بهمرسانید از اولاد سلغر بر فارس

استیلا یافت و پادشاه شد

اتابکان فارس نیفرنده تمام عادل و خوش رفتار بوده و با بادی مملکت و

ساختن ابنیه مایل بودند و معروفترین آنها سعد بن زنگی و پسرش ابوبکر است



صورت شیخ سعدی

شیخ سعدی علیه الرحمه با آنها معاصر بوده است

طایفه سوم اتابکان لرستان بودند

که در لرستان و بعضی بلاد دیگر ایران حکومت داشتند

ظهور و ترقی ادبیات ایران

در قسمت اول ابال پنجم گفته ایم که در اوایل قرن وسطی اروپائیها

اهل علم و ادب نبودند گاهی از اوقات مردمان باکمال در آنجا پیدا میشدند انهم از مسلمین اخذ معلومات مینمودند از اینرو ثابت شد که علم و دانش مختص ایرانیان بوده

اینمطلب مسلم است که پس از استیلای عرب بر عجم عربها تمام نوشتجات و کتب ایرانیان را سوزانیده و بالاخره نابود کردند

چون زبان رسمی آنان عربی بود ایرانیان هم متدرجاً تغییر زبان داده و بعربی تکلم مینمودند و چیز مینوشتند باینواسطه زبان فارسی تحلیل رفت تا در ا نهم میلادی که دولت عباسی ضعیف و آخر الامر منقرض گشت

آن وقت ایرانیان در صدد آزادی و استقلال مملکت خویش و ترقی و تقویت زبان قومی خود برآمدند

چون در این مدت اغلب لغات فارسی از میان رفته و منسوخ شده بود این بود که ادبا فارسی نویسندگان فارسی مخصوصاً شعرا اشعارهای خود را مخلوط بزبان عربی نموده و بوضع امروزه شعر سروده و چیز نوشته اند

نخستین شاعری که بفارسی شعر سروده (۱) رودکی است که امیر نصر سامانی را مدح کرده (۲) و دقیقی است پس از آن متدرجاً ادبیات

ایرانی رو بترقی گذاشت تا عصر سلطان محمود غزنوی که علم و ادب و نظم و نثر بدرجه اکمال رسید و در زمان این پادشاه نیک رفتار شعرای نامی و فصحای بزرگ امثال فردوسی و عنصری و عسجدی و فرخی ظهور کرده و زبان فصیح البیان فارسی را باعلی درجه ترقی رسانیدند و در سایر نقاط ایران هم شعرای نامی دیگر خودنمائی کردند که مشهورترین آنها منوچهری و لامعی و ناصرخسرو وغیره بودند

و شعرای دیگری هم در زمان سلجوقیان و خوارزمشاهیان بوده اند و آنها از این قرارند

امیر معزی شاعر و انوری و ادیب صابر و عبدالواسع و حکیم عمر و حکیم سنائی و ظهیر فاریابی و خاقانی و کمال الدین اصفهانی و آخرین شعرای ایران در عصر اتابکان فارس شیخ سعدی بوده است شاهرخ پسر امیر تیمور شخصی با دانش بود و خط ثلث را پس از یاقوت احدی مثل او ننوشته و در فارس خطوطش بر احجار تاکنون باقی است

جنگهای صلیبی در مشرق

اورشلیم یا بیت المقدس که در نظر مسلمین کره ارض محترم است چون مرکز فلسطین و پایتخت دولت یهود و محل بعثت حضرت عیسی علیه السلام و مقر سلیمان و داود و مسجد اقصی در آنجا ساخته شده و زیارتگاه بزرگ عیسویان میباشد و این محل متبرکه در تصرف مسلمین بود مردم از نقاط مختلفه عالم به بیت المقدس میرفتند و زیارت آن مکان را از عبادت بزرگ میدانستند .

چون بودن آن محل محترم در دست مسلمین برای مسیحیان بینهایت ناگوار بود در اینصورت بخود هموار کرده و تحمل نمودند در اواخر ماه یازدهم میلادی سلجوقیان به بیت المقدس تسلط پیدا کرده بنای گیر و دار را گذاشتند و مانع ورود عیسویان به بیت المقدس گردیدند عیسویان در خیال افتادند که آنجا را از دست مسلمین بگیرند

بنابر دعوت و تشویق پاپ و کشیشها عده زیادی از مردم مختلف و از ایطالیا و آلمان و جمع کثیری هم از فرانسه از راه قسطنطنیه بطرف بیت المقدس حرکت کردند

۱۰۹۶) میلادی این قشون اسم یک صلیبی از پارچه قرمز بلباس خود دوختند
بایجهت این محاربات را هم سوم بجنگ صلیبی نامیده اند

قشون مزبور داخل آسیای صغیر شده و عاقبت خود را بانطاکیه رسانیده
واز آنجا رهسپار بیت المقدس شدند

پس از جنگهای خونین و زحمات زیاد در سال ۱۰۹۹ میلادی بیت
المقدس را متصرف شدند

پس از تسخیر بیت المقدس عده قلیلی از قشون مزبور باقی مانده بودند با این
حال این عده قلیل از نهب و غارت و قتل حتی الامکان فرو گذار نکردند
و جماعت زیادی از مسلمین را کشتند و عده کثیری از یهود را آتش زدند
و اینجنگ اول صلیبی بود

چون دولت سلجوقی محل کشمکش و نزاع مدعیان سلطنت شده و ممالک اسلامی
دستخوش هوا و هوس عده از مفسد گردیده بود
مسلمین در بیرون کردن مسیحیان اقدام و اهتمامی نکردند این بود که مسیحیان
هم در فلسطین تشکیل دولتی بریاست یکی از سرداران صلیبیین داده تا در زمان
اتابکان که در اواخر دولت سلاجقه در نقاط مختلف آنها سلطنت هائی

برای کار آمدند معروف باتابکان میباشند
و از جمله اتابکان موصل است که در مائه ششم هجری بر تمام بلاد شام تسلط پیدا
کردند از این تاریخ جنگ دوم مسلمین بر عیسویان قوت گرفت و کار را بر مسیحیان
سخت گرفتند

این دفعه اروپائیان قشون زیادی روانه سوریه نمودند در صورتیکه پادشاه
فرانسه و امپراطور آلمان قشون زیادی تهیه کرده و بطرف بیت المقدس روانه
کردند و این جنگ صلیبی دوم پنجاه سال تقریباً بعد از جنگ اول واقع شد
مسیحیان از جنگ دوم صلیبی هم نتیجه نگرفتند یعنی یکی از امرای اتابکان
مزبور موسوم بصلاح الدین در آسیای صغیر و شام و مصر تشکیل دولتی داده
و با عیسویان جنگ نموده و آنها را مغلوب کرده بیت المقدس را متصرف شد
چون این خبر بفرنگ رسید جنگ صلیبی سوم شروع شد و سه نفر از سلاطین
بزرگ و پادشاهان فرنگ که امپراطور آلمان و پادشاه انگلیس و سلطان
فرانسه باشند متفقاً قدم بمیدان جنگ گذاشتند و آنها موفقیاتی حاصل
نکرده و کاری از پیش نبردند و فقط بنتیجهٔ کمی موفق شده مراجعت کردند
چون سلاطین کاری نکردند این دفعه جماعتی از عیسویان بعزم تصرف

بیت المقدس حرکت کردند چون به قسطنطنیه رسیدند آنشهر را غارت کرده و امپراطور را معزول نموده در سال ۱۲۰۴ میلادی یکی از بزرگان فرانسوی را امپراطور قرار دادند

تقریباً پس از پنجاه سال یکی از خانواده امپراطور سابق روم شرقی قسطنطنیه را تصرف در آورده دولت روم شرقی را برقرار نمود مسلمین علاوه بر بیت المقدس جزیره قبرس را نیز تصرف کردند

نتایج انجنگهای صلیبی در کشمکشها و زد و خوردهای اروپائیان این شد که عیسویان تا آنزمان پی بتمدن اسلامی نبرده و عموماً در ظلمت جهل و نادانی بسر میبردند

بواسطه مسافرتهائی که در ضمن محاربات یا پس از جنگ بممالک مشرق کرده و اوضاع پریشان روزگاری و عدم تمدن و زندگانی محقر خویش را مشاهده کردند از طرفی ابنیه و صنایع محیر العقول و علوم مسلمین را دیده در صدد برآمدند که تمدن خود را بمسلمین برسانند بانواسطه باب تجارت را دادوستد بین اروپا و آسیا مفتوح گردید در رفت و آمدشان روبازدیاد گذاشت و از آن زمان شروع بترجمه کتب علمی و طبی نموده و تمدن را از مسلمین فرا گرفتند

الحق در این مقصود مقدس مجاهدت کرده همه روزه ترقیات خود برآنند



چنگیز

دور جدیدی تمدن را باین پایه رسانیدند و تمام مسلمین عالم را بحیرت انداختند

قرون جدیده

فصل اول — چنگیزیان

استیلای مغول — (مغول یا مغل) طوایفی بودند وحشی و جنگجو و خونریز که در مرکز آسیا سکنی داشتند و وطن اصلی آنها در مغولستان است این طایفه بسا زمان بطرفی هجوم آورده اسباب خرابی و انقلاب را فراهم میاوردند و از هیچگونه قتل و غارت خودداری نمیکردند و دولت ایران هم غالباً دچار حمله این طوایف میگشت

چنگیز که یکی از بزرگان مغول بود قبائل مختلفه مغول را در تحت نفوذ خود

درآورد و در سال ۵۹۹ بسلطنت جلوس کرد پس از آن آغاز جهانگیری نمود بنابراین چین و ترکستان را گرفت با مملکت ایران همسایه گردید

دراین اثنا بین سلطان محمد سلجوقی و چنگیز خان کدورتی پیدا شد چنگیز خان متوجه ایران شد سلطان ایران چون قوه مقاومت در خود نمی دید فرار کرد و ممالک ایران زیر پای عساکر چنگیز پامال گردید در سال ۶۱۵ سلطان جلال الدین سلجوقی مکرر با چنگیز خان جنگ کرده و عاقبت مغلوب گردید

هلاکو خان که از پادشاهان معروف چنگیزیان است مأمور فتح قسمتی از بلاد ایران شد چون هلاکو خان بایران آمد طایفه اسمعیلیه را منقرض کرد و بعد عازم بغداد شد پس از تصرف بغداد مستعصم عباسی را کشت و دولت عباسی منقرض گردید

هلاکو خان پس از تسخیر آن نواحی باذربایجان آمد و مراغه را پایتخت خود قرار داد و در سال ۶۶۳ در گذشت

و دیگر از پادشاهان معروف چنگیزیان غازان خان است که سلطانی با کفایت عادلی بود و بدین اسلام درآمد و بواسطه او بسیاری از مغول بدین اسلام

در آورند

سلطان محمد خدابنده آخرین پادشاه با کفایت و معروف چنگیزی ایرانست

که شخصی عادل و نیک فطرت بود و شهر سلطانیه از بناهای او میباشد



فضلا و شعرای زیاد در دوره مغول ظهور نموده که معروفترین آنها خواجه

نصیرالدین طوسی و شیخ سعدی و شیخ عطار و خواجه حافظ و مولینا جلال

الدین رومی میباشند

اگرچه بعضی از سلاطین مغول عادل و خوش رفتار بودند اما کلیه استیلای آنها

بواسطه وحشیگری و شجاعت این طایفه برای مملکت ما آفت بزرگی بود زیرا که

سیل خون جاری کردند و جمع کثیری را تلف نمودند و مملکت را از خراب و ویران

ساختند و آثار تمدن و علم و هنر را برانداختند و طبیعت و اخلاق

مردم را ضایع و فاسد کردند

در دورهٔ اخیر سلاطین مغول رونقی نداشت و رو بضعف گذاشته

بود و هر روز یکی را بسلطنت انتخاب میکردند و بین بزرگان این طایفه

نزاع و زد و خورد بود و یک چند مردم این سرزمین سرگردان بودند

تا وقتیکه جنگجوئی خونخوار سوسوم بتیمور پیدا شده دوباره ممالک

آسیا را میدان تاخت و تاز خویش قرار داد و دولت مغول را

منقرض ساخت

تشکیل دولت عثمانی

فتح قسطنطنیه

تشکیل دولت عثمانی بعد از سلطان جلال الدین ملکشاه دولت

سلجوقی رو بضعف گذاشته و از ممالک وسیعه آنها چندین دولت

کوچک تشکیل یافت من جمله یکسلسله از سلاجقه در آسیای صغیر شهر

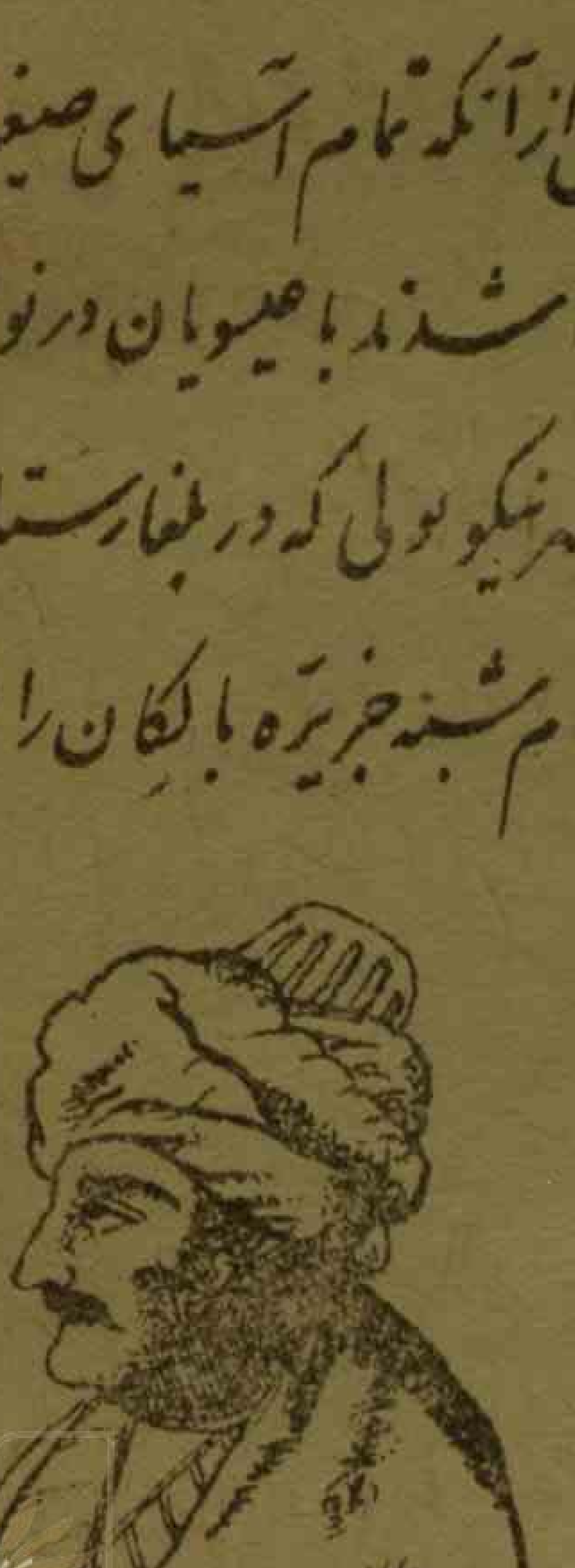
قونیه را پایتخت قرار داده

چون آسیای صغیر را از امپراطور روم شرقی گرفته بودند باین جهت

انسلسلهٔ سلاجقه که در مملکت مزبور سلطنت میکردند باسم سلاجقهٔ روم خوانده میشدند در زمان تاخت و تاز مغول جماعتی از ترکان بآسیای صغیر رفتند و در نزد سلاطین سلاجقهٔ روم تقرب و منزلتی یافتند چون سلطان سلجوقی درگذشت (عثمان بن طغرل) رئیس طایفهٔ مزبور پادشاه شد و او مؤسس سلسلهٔ سلاطین عثمانی و مؤسس دولت مزبور گشت

(فتح قسطنطنیه)

عثمانیان ملتی جنگجو بودند پس از آنکه تمام آسیای صغیر را مسخر نمودند از تنگهٔ داردانل گذشته داخل اروپا شدند با عیسویان در نواحی رود دانوب جنگهای بزرگی کردند ولی در شهر نیکوبولی که در بلغارستان واقع است شکست فاحشی خورده و عثمانیان تمام شبه جزیره بالکان را متصرف گشتند سلطانی که اسلامبول را فتح کرد



سلطان محمد دوم ملقب به فاتح است که علاوه بر نقاطی که در آسیای صغیر و

دار و پا متصرف شد

قسطنطنیه را نیز در سال ۱۴۵۳ میلادی مسخر نموده و پادشاه دولت

روم شرقی را مقتول و آن دولت را منقرض نمود

فتح اسلامبول را که از وقایع بزرگ تاریخ و در ماه پانزدهم میلادی واقع

شده است اروپائی ها ابتدای عصر جدید قرار داده اند

عثمانیان در اروپا تمام شبه جزیره بالکان و مملکت مجارستان و

اراضی واقعه در شمال دریای اسود و در آسیا و افریقا و آسیای صغیر

سوریه و مصر و عربستان و عراق عرب و ارمنستان را متصرف شده

تشکیل دولت بزرگی دادند دنیا قلمرو دو دولت عظیمی گشت یکی دولت

صفوی در ایران و دیگری دولت عثمانی

بدبختانه این دو دولت اسلامی بواسطه اختلاف تشیع و تسنن دائماً

در نزاع بودند

تیموریان

مردم ایران هنوز از فتنه چنگیز راحت نشده و دولت مغول مجال

نفس کشیدن با نها نداده بود که دوباره دچار تاخت و تاز امیر تیمور شدند

تیمور یکی از بزرگ زاده ترکستانی و از فاتحین و جهانگیرهای مشهور است



امیر تیمور

امیر تیمور
چون همتی
عالی داشت
بخیال خود
سری افتاد
و برای خود
اسباب حکمرانی و استقلال فراهم کرد و با مدعیان زد و خوردها کرد و در سال ۱۳۷۷
میلادی خود را پادشاه خواند

پس از آنکه در ترکستان تسلط کامل یافت متوجه ایران گشت و چندین دفعه
قشون بایران کشید و در مدت پانزده سال تمام ایران و عراق عرب و کردستان
و آسیای صغیر و گرجستان را مالک شد

امیر تیمور در خاک روسیه هم تاخت و تاز کرده و تا مسکو رفت همه جا
قتل و غارت کرد مخصوصاً در ایران کشتار زیادی نمود بعد از آن تیمور
بهندوستان رفت و تا دهلی را متصرف شد و در آنجا هم صد هزار هندی را

جنگ با بایزید — پس از فتح هندوستان بایران برگشته بآسیای صغیر رفت
و ایلدرم بایزید سلطان عثمانی را مغلوب و دستگیر نمود و بشام و مصر استیلا
یافت بعد از آن مهیای تسخیر چین گردید اما اجل مهلتش نداد درگذشت
امیر تیمور از مردان جنگجو و بینا و دلیر با استقامت بود لیکن هیچکس هم بقدر
او بیرحم و خونخوار نبود

میرزا شاهرخ — برعکس پدر مایل بامنیت و آبادی و راحت و سعادت
مردم بود و در اصلاح خرابیهای پدرش میکوشید و بعلما و فضلا مهربانی
و بحث مینمود و در این مدت اقدام بجنگی نکرد مگر برای دفاع و مطیع کردن
مدعیان خود

چون میرزا شاهرخ درگذشت پسر او الغ بیگ که مردی عالم و فاضل
بود بپادشاهی رسید

این پادشاه مرد جنگی و مملکت گیری نبود و از عهده دفع مدعیان خود برنیامد
و عاقبت بدست پسرش میرزا عبد اللطیف مقتول گردید

الغ بیگ بعلوم ریاضی میل وافری داشت و منجمین را واداشت تا ترتیب
زیجی دادند که باسم الغ بیگ معروف است دولت امیر تیمور گورکانی بواسطه

ظلم و خونریزی تشکیل شده بود و بعد از میرزا شاهرخ متلاشی شد و بعد
اولادانش بنفاق افتادند و باهم بنای زد و خورد گذاشتند و بالجمله چنان ضعیف
شدند که از عهده مدعیان بر نیامدند

بزرگترین مدعیان طایفه از ترکمانان بودند موسوم به آق قوینلو که آسیای
صغیر بین النهرین و ایران را مالک شدند و عاقبت پادشاه گورکانی بهند فرار کرد
و در آنجا تاسیس سلطنتی کرد

باری دولت تیموری بر هم خورد و ممالک ایران باز عرصه زد و خورد شد و مردم
آن چار سرگردانی گردیدند و تا ظهور دولت صفویه کار ایرانیان بلب جان
رسانید سلسله تیموریان را گورکانیان هم میگویند

اکتشافات جغرافیائی

وقتی که بتاریخ قرون وسطی ملاحظه کنیم می‌بینیم که میدان جولانگاه اقوام
ملل قدیمه قطعه خاک کوچکی است یعنی فقط جزء اعظم آسیا و اروپا و قسمت
شمالی افریقا بیش نبوده و از باقی دنیا خبری نداشتند و تا همین اندازه هم
مختص نشینین مشرق زمین بود

اروپائیها جز اراضی اطراف دریای مدیترانه جائی را ندیده بودند و

دنیا را نمیدانستند تا در ضمن جنگهای صلیبی بواسطهٔ توسعه تجارت بلاد ایطالیا شدند آنجا چشم آنها باز و باندازه فهمیدن که در مشرق زمین ممالک و بلاد پرثروتی هست و از هندوستان قصه ها شنیده و برای تحصیل مال و ثروت مایل برسیدن بآن سرزمین گردیدند لیکن سفر کردن بهندوستان از نواحی غربی از راه خشکی نهایت مشکل بلکه غیر ممکن بود

بنابراین در مائهٔ پانزدهم میلادی اروپائیها بخیال افتادند که از طریق دریا راه هندوستانرا پیدا کنند

چون اروپائیها بواسطه روابط با عرب معرفت باسطرلاب و قطب نما نیز یافته از اینجهت توانستند از طریق دریا بهندوستان بروند

اول قومی که راه هندوستانرا پیدا کردند پرتقالیها بودند این بود که بتقویت و تشویق دولت خودشان درانیکار زحمت کشیده سواحل افریقارا طی کرده در آخر مائهٔ پانزدهم از دماغه امید افریقا عبور کرده و داخل اقیانوس هند شدند

مشهورترین کاشفین پرتقالیها واسکودوگاما که در مائهٔ شانزدهم پرتقالیها در تمام خط راه از پرتقال بهندوستان و جبهٔ از



واسکو دوگاما

شرقی آسیا
نقاط چندی را
بتصرف درآوردند
حتی آنکه در خلیج
فارس و دریای
عمان جزیره هرمز و بندر مقابل آنرا از خاک ایران ها گشدند تا وقتی که
شاه عباس آنرا پس گرفت و از آنزمان بندر مزبور موسوم به بندر عباس گردید

کشف امریکا

درهمان زمانی که پرتقالیها میخواستند از طرف جنوب راه آسیا و هندوستانرا پیدا کنند
یکنفر ایطالیائی موسوم
بکریستف کلمب
همین نیت را داشت
و میخواست راه نزدیک
تری از جانب مغرب
بهندوستان پیدا کند



کریستف کلمب

بنابراین فردیناند و ایزابل پادشاه و ملکه اسپانیا داشخاصی که مسلمین را
از غرناطه خارج کرده بودند با خیال کرستیف کلمب همراه شده و تقریباً دو سه
کشتی باو دادند و بطرف مقصد روانه شد و در اقیانوس اطلس بطرف مغرب رفت
پس از تحمل دو ماه زحمت و مشقت بجزیره پاناما که متعلق بامریکا بود رسید و چنین تصور
کرد که بهندوستان آمده باینجهت کرستیف کلمب کاشف امریکاست کاشف مزبور
چندین سفر دیگر هم کرد لیکن نفهمید که آنجا امریکاست

اسپانیولیها اگرچه بهندوستان نرسیدند لیکن در امریکا تمول و ثروت زیادی
بدست آوردند و آن مملکت را مالک شدند و از اهالی آنجا اکثری را بقتل رسانیدند
و بقیه را هم مطیع خود ساختند و دولتهای آنها را نابود و منقرض کردند
باینجهت اکثر از سکنه امریکا اروپائی میباشند

نتیجه انکشافات

نتایج انکشافات این شد که در مائه شانزدهم پرتغالیها و اسپانیولیها دارای
اراضی بسیار در خارج اروپا گردیدند و متصرفات پرتغالیها بسمت مشرق
و آسیا بسط پیدا کرده و اسپانیولیها بطرف مغرب و امریکا دست انداختند
و از این راه اکثری متمول و باثروت شدند تجارت اروپا توسعه پیدا کرد و رونق

تجارت را باز دیاد گذاشت باین واسطه پای فرنگی ها بممالک خارج باز شد و از همین مسئله نتایج مهمی حاصل گردید

ترقی علمی و صنعتی اروپاییان

همینکه عثمانی ها قسطنطنیه را فتح کردند علما و فضلای یونانی و رومی که در آنجا بودند فرار کرده بایطالیا رفتند باینواسطه علوم و ادبیات یونان و روم در اروپا مخصوصاً در ایطالیا منتشر گشت و اکثری از بزرگان و بعضی از کشیشها مروج علم و هنر و مشوق ارباب فضل و کمال شدند

بنابراین در مائه پانزدهم و شانزدهم میلادی در ایطالیا علم و ادبیات و صنعت امثال نقاشی و مجسمه سازی و معماری رونقی بسزا یافت در همان اوقات در ایطالیا فضلا و صنایعین بسیار پیدا شد که معروفترین آنها میکل آنژ



و رفائل

میباشد

میکل آنژ از

هنرمندان



معروف و اول معمار و مجسمه ساز بود
و رافائل از نقاشان
بزرگ آن عصر محسوب شود
بهر جهت رونق و رواج
معارف و صنایع در مائه
هفدهم میلادی بممالک دیگر اروپا سرایت کرد و دوربین و ساعت نیز
اختراع شد
کپرنیک لهستانی اصول علم هیئت را تغییر داد و معلوم کرد که خورشید ساکن
و زمین سیار است که بدور او میچرخد
علوم تشریح و جراحی رو بترقی گذاشت این ترقیات دنباله اش بعصر حاضر
کشید و روز بروز تمدن و ادبیات و صنایع رو بازدیاد گذاشت
یکی از شعرای معروف این دوره شکسپیر انگلیسی است و دیگری دانته
ایطالیائی معروف که او در مائه چهاردهم میلادی بوده است

سلسله صفوی

زمانی که عرب بر عجم مسلط شد کمتر وقتی ایرانیان بفراغت آسایش زندگانی

میگردند بعد از نهصد سال انقلابات و تاخت و تاز سرکشان و سلاطین جابر

و ظالم از قبیل دیلم و ترک و مغول صفویه دولت ایران را تجدید کرد



شاه اسمعیل

موسس سلسله صفویه
شاه اسمعیل پسر شیخ
صفی الدین اردبیلی
است ابتدا آذربایجان
را مسخر نموده شهر تبریز را

پایتخت خود قرار داد بعد عراق و اصفهان و شیراز و یزد و مازندران و خراسان را

متصرف شد بعد عراق عجم را گرفته و خوزستان را هم مسخر کرد

شاه اسمعیل تمام ولایات ایران را در تحت تسلط خود درآورد و ایرانیها را بعد از

قرنها سرگردانی دوباره دارای دولت و سلطنت کرد

دولت صفوی نظیر دولت ساسانی است و حدود مملکت صفویه تقریباً همان حدود

مملکت ساسانیان است

اولاد شاه اسمعیل دویست سال سلطنت داشتند بنا باسم جدشان که شیخ

صفی الدین بوده آنها را صفوی میگویند

در واقع شاه اسمعیل صفوی سلسله او دولت ایران را احیا کرده و ایرانیان را
از شر اجانب و تاخت و تاز مدعیان مختلف آسوده کردند

چنانکه این اساس امروزه که ما داریم از همان پایه و دستور است قوت مذهب
شیعه غلبه آن در ایران بواسطه صفویه شد وضع زندگانی ما را منظم و ترتیب
سابق را بکلی تغییر داد و اساس مذهب و رسوم مدن ایرانیان را مستحکم نمود
و با سلطان سلیم عثمانی جنگ کرده و عاقبت گرجستان را فتح کرد و در سن ۳۶
سالگی درگذشت

جانشین شاه اسمعیل پسرش شاه طهماسب بود ابتدا چون طفل بود ارکان
مملکت وقت را غنیمت دانسته مملکت را مغشوش کردند اما بزودی شاه طهماسب
زمام امور را بدست گرفته و کارها را منظم ساخت و با سلطان سلیمان عثمانی مکرر جنگ
کرد و آخر کار مصالحه کشید این پادشاه عادل و عاقل و نیک سیرت بود
و تقریبا پنجاه سال سلطنت کرد


شاه عباس

یکی از پادشاهان بزرگ
ایران شاه عباس
کبیر است که بدولت و

دولت ایران خدمات محیر العقول کرده است

اول مدعیان سلطنت و بزرگان مملکت را مطیع دولت ایران را امن و رعایا را آسوده ساخت بعد از آن چندین دفعه بخراسان رفت و ازبکان را که دائماً بخراسان تاخت و تاز میکردند مقهور کرد و سایر بلاد را امن و آرام نمود و پس از آن بخیال دولت عثمانی افتاد چون از ابتدای ظهور صفویه عثمانی ها بنای مخالفت را گذاشتند مخصوصاً در اغتشاشات آخری بعضی از ولایات غربی ایران را متصرف شده بودند شاه عباس با عثمانی ها بنای زد و خورد را گذاشت و چندین دفعه آنها را شکست داده بالاخره آنها را مغلوب کرد و گرجستان و قفقاز و کردستان و عراق عرب را مسخر نمود و وسعت ممالک ایران را بکمال رسانید جزیره هرمز و بندر مقابل آن که موسوم به بندر عباس است از پرتغالیها پس گرفت و شهر اصفهان را پایتخت خود قرار داد و در آنجا و سایر ممالک ایران عمارت و ابنیه و مساجد و راهها کاروانسراهای بسیاری ساخت

شاه عباس ـ علم و صنعت و تجارت را هم ترویج میکرد و علما و فضلا و هنرمندان را دوست میداشت مختصر دولت صفوی را باعلاء درجه ترقی و سعادت رسانید

بعد از شاه عباس کبیر نواده او شاه صفی پادشاه ایران شد

این پادشاه جبار و ظالم و بی‌رحم بود و بسیاری از شاهزادگان و بزرگان مملکت را کشت

وقایع مهم زمان این پادشاه جنگی است که سلطان مراد چهارم پادشاه عثمانی کرده و در نتیجه آن منضم شدن ایروان بدولت ایران و واگذار کردن بغداد بدولت عثمانی میباشد

شاه صفی در زمان حیات خودش سلطنت را به پسرش شاه عباس ثانی واگذار کرد و او نیز مدت بیست و پنج سال باسودگی سلطنت کرد و در دوره آن مردم آسوده و راحت بودند شهر قندهار که در زمان شاه صفی بدست سلاطین هند افتاده بود شاه عباس ثانی مجدداً پس گرفت



شاه سلیمان

شاه سلیمان - چون شاه عباس مرد پسرش شاه سلیمان بتخت نشست حادثه بزرگی که در زمان این پادشاه روی داد هجوم ترکمانها باستر آباد است که تا سمنان و دامغان را غارت کردند

ولی شاه سلیمان باین سهولت از آنها جلوگیری کرد خلاصه دوره سلطنت
این پادشاه موقع رفاهیت و آسایش ایرانیها بود و بسبب عدم کاردانیش اداره



شاه سلیمان

بشیخ علیخان
بود که شخصی با
کفایت و عاقل
و دانائی بوده است
شوکت و اقتدار
صفویه تا زمان سلطان حسین بیشتر نبود

شاه سلطان حسین اغلب اوقات بدعا و نماز اشتغال داشت و میخواست
امور مملکت را بدین ترتیب اصلاح کند و عوائق را بدینواسطه دفع نماید

بزرگان و رجال دربار او هم از اشخاص بی غرضه و عیاش و تن پرور بودند
چون بی کفایتی و بی قابلیتی پادشاه را دیدند آنچه توانستند فرو گذار نکردند تا
اینکه افاغنه از دور اختلال و انقلاب ایران را مشاهده کردند و دانستند که موقع کار است
ونباید وقت را از دست داد و در سال (۱۱۳۵) هجری محمود افغان با عده
قلیلی باصفهان آمده پایتخت صفویه را محاصره کرد

چون مردم پایتخت محصور و گرفتار قحط و غلا شدند سلطان حسین مجبور بتسلیم گردید که بدست خود تاج و سلطنت را به محمود افغان داد

محمود پس از تصرف پایتخت بنای خونریزی و بیرحمی را گذاشت و بسیاری از شاهزادگان و علمای صفویه را بقتل رسانید ولی طولی نکشید که دماغ او معیوب و دیوانه گردید و پسر عم وی (اشرف) او را بدیار عدم فرستاد و خود مستقلا بحکمرانی پرداخت

زمانی که محمود شهر اصفهان را محاصره کرده بود طهماسب میرزا پسر سلطان حسین از پایتخت فرار کرده بمازندران رفت و از فتحعلیخان قاجار کمک طلبید که اغاغنه را دفع نماید و با عده قشون در بند که از توابع داغستان و سابقاً متعلق بایران و حالیه جزو قفقازیه میباشد فتحعلیخان برای او تهیه کرده و عازم تسخیر خراسان گردید و در اینموقع نادرقلی که بعدها نادرشاه میشود نزد شاه طهماسب آمد و خدمات او را بعهده گرفت و فتوحات نمایان کرد و از جمله خراسانرا فتح نمود و سه دفعه در دامغان و اصفهان و شیراز اشرف را شکست داد اشرف چون طرف را پرزور و دلیر دید بافغانستان مراجعت کرد و در آنجا بدست برادرش کشته شد و دست افغانها بکلی از ایران کوتاه گردید

اما شاه طهماسب از این فتوحات بهره نبرد دفع افاغنه برای او نتیجه نبخشید
یعنی نادرقلی چون خیالات سلطنت در سر داشت اسباب عزل او را فراهم
آورد و اسم سلطنت را بر سر پسر او عباس میرزا که شیرخواره بود گذاشت
ولی معناً سلطنت با خود او بود که در فصول بعد نوشته میشود

(پطر کبیر و روسیه)

مملکت روسیه ابتدا مسکن طایفه وحشی بود ساکنین آن عیسوی مذهب بودند
ولی اطاعت کشیشهای خود را نمینمودند بلکه در امور مذهبی نیز مطیع سلاطین
خود بودند



پطر کبیر روسیه

مملکت روسیه قسمت کوچکی بود واقع در مشرق لهستان در تصرف مغول
آن مملکت زیر دست و پای آن طایفه افتاده بود و بزرگان روس در تحت تبعه مغول بودند
بعد از آنکه خود را از تبعیت مغول بیرون آوردند کم کم مملکت خود را وسعت داده

ورعایای بسیار در تحت اطاعت خود درآوردند و در قسمت شانزدهم مسیحی

نواحی روسیه را متصرف شدند

پس روسیه دولت معظمی شد لیکن تا اواخر مائه هجدهم از حیث علم و صنعت

و تجارت بهره نداشته و از لوازم تمدن فقیر و از عالم تربیت بکلی دور بودند

پطرکبیر یکی از مردان تاریخی و از اشخاص فوق العاده بوده و در سنه ۱۶۸۲ میلادی

متولد شده و در هفده سالگی برتبه امپراطوری نائل گشت

این شخص خواست روسیه را ترقی دهد و ملت روسیه را نیز مانند سایر اروپائیان

متمدن و با تربیت نماید

پطرکبیر برای حصول این مقصود عازم فرنگستان گردید پس از طی مسافت و

سیاحت در انگلیس و آلمان بهلاند رفت و در یکی از کارخانه‌های کشتی سازی

کارگر شد و امثال سایر کارگران مشغول کار گردید و اجرت کارگری خود را هفته

میگرفت تا اینکه حدادی و نجاری و کشتی سازی و سایر صنایع دیگر را بخوبی

فراگرفت و بمملکت خود مراجعت کرد و معلوماتی را که تحصیل کرده بود به موقع

اجرا گذاشت و رعایای خود را مجبور نمود که از عادات سابقه دست بردارند

و آداب و رسوم اروپائی را اختیار کنند

مطابع و مدارس و کارخانجات نیز تأسیس کرد و نوه لشکری مخصوصاً بتجربه منیظمی فراهم کرد برای پیشرفت مقصود و ترقیات مملکت چندین هزار نفر از لشکر قدیم را که موافق میل و اراده او رفتار نمیکردند بقتل رسانید و اکثر آنها را بدست خود سر برید و پسر خود را که با او مخالفت نموده بود محکوم بقتل کرد مختصر روسیه را داخل در دایره تمدن نمود و ملت روس را از فقر و ذلت نجات داد

فتوحات پطر کبیر

چون در آنزمان همسایگان روسیه از طرف مغرب دول سوئد و لهستان و عثمانی بودند و سواحل دریای بالتیک متعلق بسوئد و سواحل دریای سیاه در تصرف عثمانی بود پطر کبیر مصمم شد که سواحل بالتیک را از سوئد بگیرد این بود که با لهستان و دانمارک برضد دولت عقد اتفاق بسته و شروع بجنگ کرد چون شارل دوازدهم پادشاه سوئد مردی جنگجو و دلیر بی نظیر بود ابتدا دانمارک را از پا درآورد و پس از آن متوجه پطر کبیر شد و روسها را شکست داد و آنگاه بطرف لهستان رفت و پادشاه آن مملکت را هم مغلوب کرد پطر کبیر مجدداً پس از تکمیل آلات و لوازمات حرب با سوئدها جنگ کرد و آنها را مقهور و مغلوب نمود

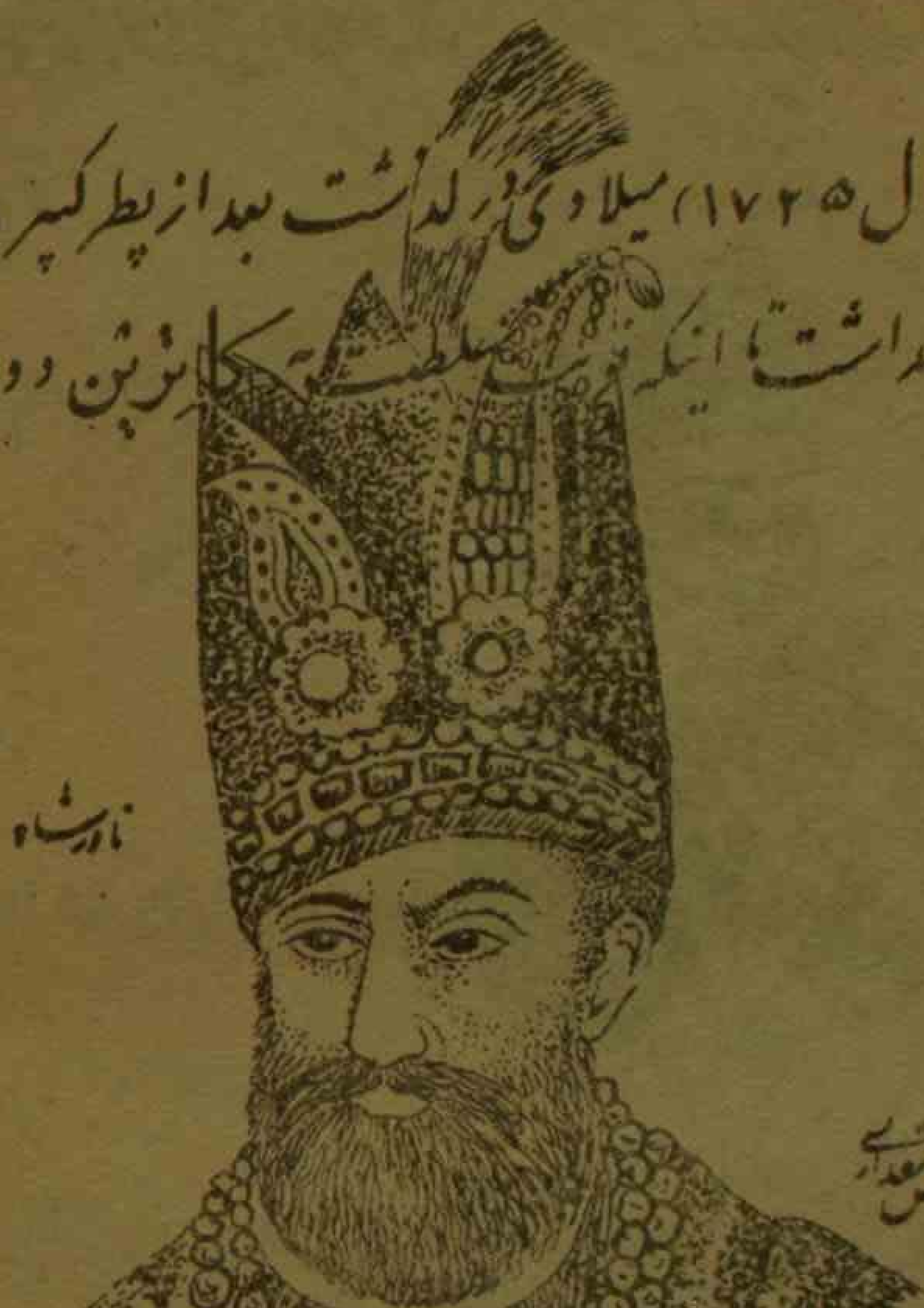
و در سال ۱۷۲۱) میلادی سواحل بحر بالتیک را متصرف شد و در کنار آن پایتخت
جدیدی برای خود ساخته و آنرا موسوم به پطرسبورغ که حالیه پطرگراد است نمود



چون شارل دوازدهم ازپا درآمد پطر کبیر متصرفات سوئد را در
کنار دریای بالتیک مالک شد و دوباره سفری بفرنگستان کرد که معلومات خود را
تکمیل کرده در مراجعت اعمالی را که برای تجدید اوضاع مملکت روسیه شروع
کرده بود بکمال رساند

سلطنت پطر کبیر در روسیه مقارن بود با سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در
ایران چون اواخر دوره صفویه مملکت ما گرفتار فتنه افغان بود پطر کبیر
در اینموقع وقت را غنیمت شمرده شروع بانجام مقاصد خود نمود و بخیال توسعه مملکت
از طرف ایران بفکر افتاد و در صدد تصرف ولایات شمالی ایران برآمد و با دولت

عثمانی قسمتی از مملکت‌ها را داد ولی ظهور نادرشاه مانع مقاصد و خیالات
آنها واقع گردید
و پطر کبیر هم در سال ۱۷۲۵ میلادی درگذشت بعد از پطر کبیر مدتی روسیه
سلطنت مقتدری نداشت تا اینکه تخت سلطنت به کاترین دوم که زنی
با عزم و مقتدر
بود رسید او نیز
رویه پطر کبیر را
تعقیب کرد و
بر وسعت مملکت روس بسی
افزود



نادرشاه

تقسیم لهستان زمانی که کاترین دوم در روسیه سلطنت میکرد لهستان که پایتخت
آن ورشو است بواسطه نفاق و اختلافات مردم در سر انتخاب سلطنت با
یکدیگر نزاع مینمودند کاترین با دولت اطریش و پروس متحد شده و در سه جنگ
آن مملکت را مسخر و در میان خود تقسیم کردند بعد از آن شروع بفتح ممالک ایران
نمود لیکن اجل مهلتش نداد سلطنت کاترین مقارن ایام کریمخان زند و جانشینش

با فوت آقا محمد خان قاجار تقریباً در یک زمان واقع شده است

سلسلهٔ افشاریه

مؤسس این سلسله نادرشاه افشار است این شخص موسوم بنادرقلی و از طایفه افشار که یکی از طوائف ترک خراسان بود باردوی شاه طهماسب آمده



شاه طهماسب

و طرف میل سلطان واقع شد او را طهماسب قلی خان لقب داد و مأمور تسخیر خراسان گردید

و افغانها را از ایران بیرون کرد و چندین مرتبه با دولت عثمانی جنگ نمود و شکست فاحش بآنها داد و تمام ولایات غربی ایران را پس گرفت

دولت روس که بولایات شمالی ایران طمع کرده بود فتوحات محیر العقول طهماسب قلیخان را مشاهده کرد دانست که مصلحت نیست با او جنگ کند این بود که در تصرف آن ولایات اصراری نکرد و آنها را تخلیه نمود

طهماسب قلیخان ایران را ازشر دشمنان آسوده کرده وخود بمقصود دیرینه
نائل گردید یعنی در سال (۱۷۳۶) میلادی خود را بپادشاهی ایران
معرفی نمود و اسم خود را نادرشاه گذاشت و بعد از آن بعضی اغتشاشات
جزئی را که در مملکت بود رفع کرد و افغانستان را مسخر نمود و پس از آن عازم
هندوستان شد کشمیر و پنجاب لاهور را که قسمت عمده شمال آن مملکت است
متصرف شد و بدهلی که پایتخت سابق هندوستان بود رسید در آنزمان
سلاطین هند از اولاد امیر تیمور گورکان بودند وقتیکه نادرشاه بهند رفت
سلطان گورکانی که محمد شاه نام داشت از نادرشاه شکست خورد ناچار تخت
و تاج خود را تسلیم بپادشاه ایران نمود ولی نادرشاه مجدداً سلطنت را بمحمد
شاه داده و ملک او را بخودش واگذار کرد محمد شاه هم تمام جواهر خزانه
خود را که بالغ بر سیصد کرور تومان پول حالیه ایران بود بنادرشاه بخشید بعد از آن
عازم ترکستان شد و پادشاه آنجا چون قوه مقاومت در خود ندید تسلیم گردید
نادرشاه ترکستان را باو بخشید پس از آن بخوارزم رفت پادشاه این مملکت
درصدد مخالفت برآمد نادرشاه او را مغلوب و مقتول کرد
چون قبایل لکزی داغستان بنای خودسری گذاشته بودند نادرشاه عازم

آن محل گشت در بین راه در جنگل مازندران برای شاه تیری انداختند گمانش به پسر
خود رضاقلی میرزا رفت و آن جوان دلیر را کور کرد و بعد از این واقعه حال نادرشاه
بکلی تغییر کرد یعنی تا آنوقت پادشاهی عادل و خوش رفتار بود و از آن بعد
دیوانه و ظالم و بیرحم گردید و بنای خونخواری و اذیت و تعدی و اجحاف
را گذاشت بنابراین مردم از او متنفر و با او مخالفت کردند و مدت پنجسال
بهمین حال سلطنت کرده آخر مردم از دست او بتنگ آمدند و در سال ۱۱۶۲
در قوچان او را کشتند

نادرشاه مرد بزرگی بود و بمملکت خدمات زیادی کرد و برای ایران و ایرانیان
افتخار عظیمی حاصل نمود افسوس که در آخر کار عقلش زایل شده و رفتارش تغییر
کرد بعد از نادرشاه چند تن از اخلاف او سلطنت کردند لیکن حکمرانی هر یک
از آنها بیش از دو سه سال نبود و کار مهمی هم نکرده اند و نتوانستند سلسلهٔ معتبری
تشکیل دهند و عاقبت قاجاریه سلسلهٔ افشاریه را منقرض کردند و در هر نقطه
شخصی ادعای سلطنت میکرد

افغانها در اینوقت موقع را مغتنم شمرده در افغانستان تشکیل حکومت مستقلی
دادند که تا کنون باقی و برقرار است

ازآن وقت این مملکت از ایران مجزی شد ولایات استراباد و مازندران و گیلان را محمد حسنخان قاجار تصاحب کرد

ایالات جنوبی ایران را کریمخان که از طایفهٔ زندیه بود متصرف گردید و مدتی با علیمرادخان بختیاری در کشمکش بود تا آنکه در اصفهان و فارس استقلالی بهم رسانید



کریمخان زند

پس از دفع علیمرادخان برقیب دیگر خود محمد حسنخان قاجار پرداخت

کریمخان پس از زد و خورد زیاد محمد حسنخان را مغلوب و مقتول کرد

پادشاه زند بعد از آنکه بر تمام ایران مسلط شد قریب بیست سال بفراغت سلطنت کرد

کریمخان بسیار خوش فطرت و نیکو رفتار بود و در حیات او اهالی ایران خوش گذشت و در اواخر سلطنتش لشکری بخاک عثمانی فرستاده بصره را گرفت

ولی این جنگ را با تمام نرسانیده بود که درگذشت

کریمخان در مدت سلطنتش هیچوقت اسم پادشاهی بر خود نگذاشت و خویش را

وکیل الرعایا مینامید باینجهت معروف بکریمخان وکیل است

این پادشاه بعمارات و ابنیه زیاد میل داشت چون مقر او در شیراز بود

و آنجا بناهای زیاد ساخته که معروف به ابنیه وکیل است

بعد از کریمخان مملکت ایران دچار هرج و مرج شد و ضمناً آغا محمد قاجار پسر محمد

حسنخان هم مدعی زندیه بود عاقبت بر ایشان غلبه کرده و بسلطنت ایران رسید

یعنی کاری را که پدر و اجدادش در نظر داشتند انجام داد

تشکیل دولت آتازونی

آتازونی که امروز وسعتش باندازه تمام خاک اروپا است سابقاً جزو مستعمرات

انگلیس بوده در ۱۷۶۰ هجده میلادی پارلمان انگلیس مالیاتی غیر مستقیمی وضع

نمود اهالی آتازونیه را مجبور بدادن مالیات مزبور نمود آنها هم زیر بار نرفته

و بنای شورش را گذاشتند و حکام انگلیس را بیرون کردند عاقبت از هر ایالتی

عده از وکلا منتخب و در شهر فیلادلفی جمع شده استقلال خود را اعلام کردند

پس از اجتماع در فیلادلفی ریاست قشون را بواشنگتن دادند چون اسلحه

و مهمات صحیحی نداشتند چندین دفعه مغلوب شده در عاقبت به کمک فرانسویان

انگلیسیها را محاصره نموده شکست فاحشی دادند و بالاخره صلح کردند

پس از آن امریکائیها قانون اساسی برای خود ترتیب داده و تشکیل جمهوری

باسم اتازونی در تحت ریاست واشنگتن که شخصی عاقل و دانا بود و با عزم

و استقامت

این وطن پرست

و آزادی طلب بود

قرار دادند بعد از

مرگ او تمام اهالی

عزادار بودند



واشنگتن

شخص معروف این دوره فرانکلن است که از جانب دولت متحده در فرانسه سفیر

بوده و همین شخص بود که لوی شانزدهم پادشاه فرانسه را مجبور به مداخله

در جنگ با انگلیس کرد

فرانکلن نه فقط در اخلاق بلکه در علوم نیز مشهور و معروف است

دول متحده در روز بروز
رو به ترقی و اکنون
از حیث تمدن و فلاحت
و صناعت و زراعت
و تجارت و علم و غیره
یکی از اول دول عالم
محسوب است



فرنه اکلن

مداخله انگلیسها در هند

انگلیسها در آسیا با شصت هزار قشون پس از صد سال بهترین قسمت هندوستانرا
متصرف شدند و هندیان را جزء قشون در آوردند چون هندیها بتسلط اجنبی راضی
نبودند بنابراین در سال (۱۸۵۷) شورش نموده عده از انگلیسها را مقتول کردند
بالاخره انگلیسها فتنه را بزودی خوابانیده و از آن بعد دولت انگلیس کمپانی را
که هند را تا آن زمان متصرف و در آن مملکت بود موقوف کرده اداره هند را از دست آنها
بدست خود گرفت و نایب السلطنه جهت هند معین کرد

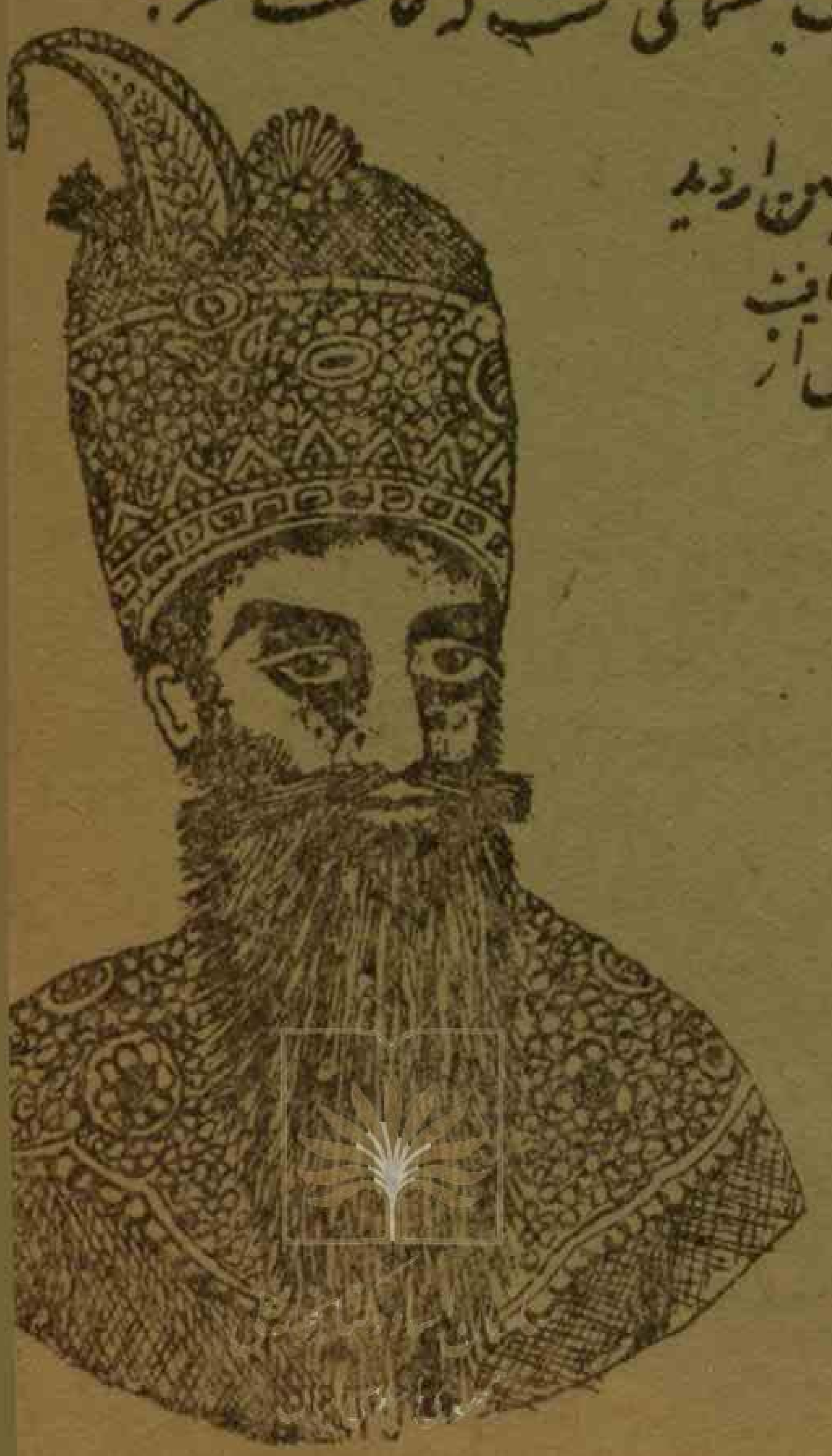
سلطنت قاجاریه تا سلطنت محمد شاه - آغا محمد خان موسس
سلسله قاجاریه است که در زمان حیات کریم خان زند در فارس محبوس بود
چون کریمخان درگذشت آغا محمد خان از شیراز فرار کرده بسرعت خود را بمازندران
رسانیده بعد از کوشش چند استراباد و مازندران و گیلان را مسخر کرد چون طهران
باستراباد که وطن قاجاریه است نزدیکتر بود آغا محمد خان این ولایت را پایتخت
خود قرار داد
از آنجائی که روسها
از طرف شمال غربی
بایران دست اندازی
میشمودند آغا محمد خان
بدان سمت شتافته



آغا محمد خان

تفلیس و قراباغ را مسخر کرده تمام قلعه ها را خراب کرد. در مراجعت روسیان
بریاست سوتف گنجه را متصرف شده آغا محمد خان مجدداً بدانطرف شتافت
لکن در راه پس از بیست سال سلطنت و شصت و سه سال عمر بدست ملازمان خود
کشته شد

فتحعلیشاه — چون آغا محمد خان مقطوع النسل بود برادرزاده‌اش بابا خان که فتحعلیشاه بود پادشاه شد و بتوسط پسرش عباس میرزا دو مرتبه با روس جنگید و در محاربه اول سردار روس را شکست داده بواسطه عهدنامه گلستان صلح نمود و در جنگ ثانی عباس میرزا شکست خورده به تبریز آمده و بالاخره در ترکمن چای صلح نموده و بموجب این معاهده (۱۱) شهر از بلاد ایران بعلاوه (۲۷) کرور تومان پول حالیه بعنوان خسارت جنگی بروس واگذار شد (۱۲۴۳) هجری



دیگر از وقایع مهمه در زمان فتحعلیشاه جنگ با عثمانی است که عاقبت منجر بصلح گردید و همین سرحد حالیه فاصله دو دولتین گردید

در زمان فتحعلیشاه نظم و نثر در ایران رونق یافت از ادبا و نویسندگان معروف آن زمان معتمد الدوله نشاط اصفهانی و ملک الشعراء وصال شیرازی قائم مقام وغیره بوده‌اند

عباس میرزا در آخر

سلطنت فتحعلیشاه در بین محاصره هرات درگذشت

محمدشاه پسر عباس میرزا هرات را محاصره نمود چون دولت انگلیس باین امر راضی نبود تولید اشکالات کرد لذا سلطان ایران از آنجا دست کشید در زمان وزارت حاجی میرزا آقاسی آصف الدوله قاجار و مخصوصاً پسرش سالار در خراسان مردم را بدور خود جمع نموده و شورشی برپا کردند ولی در اینموقع ناخوشی شاه شدت کرده درگذشت

انقلاب کبیر فرانسه و نتایج آن در اروپا و عالم

در اواخر قرن هجدهم میلادی تغییرات کلی در مملکت فرانسه روی داد که اوضاع سیاسی اروپا بلکه کلیه عالم را منقلب کرد

مقدمه این انقلاب این بود که در اوائل امر سلاطین اروپا بطور استبداد و مطابق میل و اراده شخصی رفتار میکردند و مالیات های زیادی بر رعایای خود تحمیل نموده صرف تجملات بیهوده و مصارف غیر لازم مینمودند کارهای دولتی را بدرباریان و مامورین وامیگذاشتند

اشراف و بزرگان نیز (امتیازات) قید آزاد داشته رعایا را تحمل زحمات و صدمات ناگوار مجبور میکردند چنانچه کسی مخالفت میکرد او را تهدید و بقتل و حبس نمود

عمده انقلاب و شورش فرانسه اول ظلم و تعدی سلاطین و حکام بود دوم تمدن
و ترقی فرانسه بود که احساسات مردم را زیاد کرده و از مفاسد بی اعتدالیها
بخوبی حس میکردند گذشته از آنکه ترتیب دولت انگلیس را میدیدند دانشمندان
و نویسندگان مملکت بواسطه نوشتجات خود مردم را از محسنات آزادی و مساوات
و عدالت آگاه نمودند و مفاسد استبداد و عدم مساوات را ظاهر ساختند
بنابراین فرانسویها منتظر و مستعد تغییر وضع دولت و مملکت خود بودند

تشکیل جمهوری امریکا

و شرکت بعضی از فرانسویها در تحصیل آزادی امریکائیها نیز این خیالات را تقویت
کرد و فرانسه را مستعد انقلاب نمود.

در زمان سلطنت لوئی شانزدهم مردم فرانسه بیشتر از سابق در فشار واقع
شده بودند فقر و پریشانی و فلاکت مردم را فرا گرفت بنجبا اکثر از اهالی
فرانسه در یک نقطه اجتماع کرده کلیه اصلاح امور را از پادشاه خواستار شدند
و آن محل را مجلس نوسنس ملی نامیدند

لوئی شانزدهم بجهت نقشه آنها مشغول جمع آوری قشون : تهیه دید که افراد
برآمده ملت از این مسئله بیشتر خشم و هیجان خود افزوده و جدا اصلاح امور را

خواهان و استقامت در اخذ مقصد نمودند

پادشاه چون استقامت ملت را در مقابل رأی دولت جدی دید از پاریس فرار کرده در خارج تهیه و تدارک قشون پرداخت آزادیخواهان را متفرق سازد ولیکن در بین راه پادشاه را دستگیر کرده بپاریس مراجعتش دادند و او قسم یاد کرد که موافق قانون اساسی که مجلس مؤسس ملی ترتیب داده رفتار نماید

پس از آن گفتند کار تمام شده و این مجلس باید منفصل شود و مجلس دیگر بر طبق قانون اساسی جدید تشکیل گردد و همین کار را کردند و مجلس مؤسس ملی بعد از دو سال منحل شد و مملکت فرانسه دارای سلطنت مشروطه گردید

مجلس مؤسس ملی در سال (۱۷۸۹) اصول ذیل را که قانون هشتاد و نه گویند منتشر کرد و خلاصه قوانین مذکوره اینست

(۱) آزادی هر شخصی تا وقتی که مخل آزادی دیگری نباشد

(۲) تساوی تمام اشخاص در مقابل قانون

(۳) آزادی عقاید و مطبوعات

(۴) داخل شدن در نظام و یا در ادارات دولتی اختیاری

(۵) انتخاب وکلائی که فقط آنها حق وضع قوانین داشته باشند و تعیین مالیات نمایند و نیز تمام وزراء در مقابل نمایندگان ملت مسئولند زیرا که حاکمیت حق مطلق ملت است نه وزراء

وقتی که فرانسویان موفق بازادی و مساوات گشتند تمام ملل غیر از ممالک هلند و انگلیس و سویس تا آنزمان مطیع سلاطین استبدادی بودند که بمیل و اراده خود رفتار مینمودند

چون دول مستبده و شاهزادگان مزبور حاکمیت ملت فرانسه و قوانین سال ۸۹ را مخالف عقیده خود میدانستند از اینجهة اتحاد نموده مستبدین و طرفداران لوی شانزدهم را حمایت و پذیرائی کردند و در صدد امداد پادشاه فرانسه و ضدیت با رعایای او برآمدند بدبختی مجلس ملی با امپراطور آلمان و اطریش اعلان جنگ داد و قشون فرانسه عاقبت فتح کرده (بلژیک) و (ساوا) و جنوب شرقی فرانسه و ساحل یسار رود رن را بتصرف خود درآوردند

(لوی شانزدهم)

پادشاه فرانسه ابتدا در صدد اصلاحات لازمه برآمد ولی نجبا و کاتولیک و اشراف مانع شدند عاقبت آزادیخواهان از ضدیت و مخالفت لوی شانزدهم سخت

بتنگ آمده شورش و طغیان نمودند از نفوذ و اقتدار حکومت کاسته بنا

بر این مجلس اعلان کرد که وطن در خطر است و ملت باید برای دفاع حاضر شوند

بعد از آن لوی

شانزدهم را

توقیف کرده

استمزاج رای

کردند بر اینکه

باید مجلس جدیدی

منعقد گردد تا تکلیف پادشاه و مملکت را معین کنند



لوی شانزدهم

فعلا آزادیخواهان و جمهوری طلبان را خشم و غضب گرفته جمع کثیری از

اشخاص را بعنوان خیانت بوطن بقتل رسانیدند

مجلسی که بعد از انفصال مجلس مقنن تشکیل شد در واقع همان مجلس اول موسسان بود

الا آنکه قوه مجریه و قضائیه را هم بدست خود گرفت

اول کار مهم این مجلس این بود که دولت جمهوری را اعلان کرد و لوی شانزدهم

را تحت محاکمه کشیدند و بعنوان خیانت بمملکت محکوم بقتل نمودند

در این وقت تمام دول اروپا متحد شده از هر طرف مملکت فرانسه را محاصره

کردند ابتدا قشون فرانسه بواسطه بی ترتیبی و بدی مهمات جنگی مغلوب شدند

پس از آن مجلس قریب دو کرور قشون منظم ترتیب داده با سرداران وطن

پرست شجاع مانند ژنرال هوش بجنگ متحدین فرستادند

در این جنگ سرداران قشون فرانسه شجاعت و رشادت فوق العاده نشان داده

و آنها را از خاک خود بیرون کردند

عاقبت پادشاهان اسپانی و پروس و سایر شاهزادگان آلمان صلح نموده

جمهوریت فرانسه را قبول کردند ولی سایرین دست از جنگ برنداشتند

در نتیجه قشون فرانسه تاخت برده هلند یا و ایطالیا و اطریش را مغلوب

نموده پس از آن رعایای هلند و سویس و ایطالیا شاهزادگان و اشراف مملکت

خود را بیرون نموده تشکیل شش جمهوری دادند و فقط همان یک در تصرف

فرانسه باقی ماند

(اصلاحات اساسی)

مجلس ملی در آن وقت مملکت فرانسه را به ۸۳ ولایت و هر ولایتی را به بلوک

و محالی قسمت نموده و از برای هر یک قاضی معین کرده و محاکم قضاوت ترتیب

داده و در امور مالیاتی و ادارات دولتی اصلاحات تازه نمودند

(امپراطوری فرانسه)

ناپلئون بناپارت ابتدا یکی از سه اداره جمهوری بوده بعد با قشون شخصی خود
وکلا و نمایندگان
ملت را خارج کرده
عاقبت بمقام امپراطوری فرانسه
نائل گشت و بلاد هلند
و ساحل بحر شمال
و قسمتی از ایطالیا



امپراطور فرانسه

و بعضی ایالات و نواحی اطریش را مسخر نمود

(اتحاد دول بر ضد ناپلئون)

دول اطریش و روس و انگلیس در این وقت متحد شده شکست خوردند
اطریش درخواست صلح کرد ناپلئون بعد ها قشون در پروس آورده سلطان پروس
را مغلوب و قسمتی از آن مملکت را تصرف نموده و دولت مستقلی تشکیل
داده ببرادرش سپرد و در حقیقت از آن بعد ناپلئون مالک و صاحب اختیار

ما لان گردید

فقط دولتی که در مقابل فتوحات ناپلئون مقاومت نمود انگلیس بود بدینجهت ناپلئون دول مجاوره را از خرید و فروش امتعه انگلیس منع و گرودسکه عظیمی بمال التجاره انگلیس وارد نمود و اکثری از تجار ورشکست شدند

ناپلئون باسپانی رفته و در آنجا برادر خود را پادشاه نموده مراجعت کرد ولی پس از وی اسپانیولیها شورش نموده و بمدت پنجسال اکثری از قشون فرانسه بقتل رسانید

در اینموقع پادشاه اطریش ملت خود را بر ضد فرانسه تحریک نمود ناپلئون بمقابلت قشون کشیده اطریشیها را در واکرام مغلوب نموده بعضی از ایالات آنها را متصرف گشت

آلمانیها در این وقت از دولت فرانسه بیشتر منزجر و متنفر شدند پس از این فتوحات مملکت فرانسه وسعت بسیاری حاصل نموده مالک اغلب ممالک اروپا شد

ولی ناپلئون در جنگ با روس تا مسکو پیش رفت و عاقبت بواسطه شدت سرما در آنجا شکست خورد و عقب نشست از طرف دیگر آلمانیها و دولت پنجاه هزار قشون

حاضر نموده و با سایر دول متحد شده از هر طرف بمملکت فرانسه هجوم آوردند
و ناپلئون را مغلوب نموده و بعضی از متصرفات خود را از دست داد پس از آن
لوئی هیجدهم بجای او بتخت نشست

ناپلئون پس از مدتی خروج کرده لوئی هیجدهم را خلع نموده و دفعهٔ ثانی هم از
دول اروپا شکست خورده انگلیسها ناپلئون را دستگیر نموده و او را محبوس نمودند
و تا آخر عمر در محبس بسر برد

پس از اسارت ناپلئون (کنگره وینه) تشکیل و از تمام دول حتی فرانسه
سفرائی بدربار وینه گسیل داشته پس از مذاکرات و گفتگوهای زیاد شرایط صلح
بدین ترتیب خاتمه یافت

فرانسه تمام متصرفات خود مخصوصاً آنچه را که در زمان شورش مالک شده است مسترد داشت
و در عوض روسیه و پروس و اطریش و باویر بعضی از ایالات را تصرف کردند و ملحق مملکت
خود گردید

(انتشار آزادی در اروپا)

در دورهٔ انقلاب فرانسه کلیه مردمان اروپا دو قسمت شده بودند بسیاری از مردم
حامی حکومت ملی و جمهوری شدند لیکن مستبدین بر آزادیخواهان غلبه داشتند

و سلاطینی که متحد شده بودند ابتدا بر حیاهای خود وعده آزادی و مشروطیت

دادند ولی چون بعدها احتیاجی بآنها نماند اشتند بعهد خود وفا ننموده بلکه بر علیه

آزادیخواهان و جمهوری طلبان متحد شدند تا بتوانند رعایای خود را بکلی ساکت

نموده لفظ مشروطیت یا جمهوریت از اذهان اهالی بیرون برند در آلمان

بسیاری از محصلین بخیال کسب آزادی افتادند ولی بحکم دولت با سطاتی قرار دادا

بنیت متحده که رؤسای آنها پادشاه پروس و امپراطوران روس و اطریش

بودند دستگیر شدند

چون فرانسویان در تمام اروپا گردش میکردند کم کم عقاید و افکار آزادی طلبانه

خود را همه جا منتشر کرده و هوای آزادی در کله تمام مردم داخل شده بود بهمین جهت

سلاطین نتوانستند حکومت استبدادی را حفظ نمایند تا بالاخره در اواخر

مائه نوزدهم تقریباً در تمام ممالک اروپا دولت جمهوری یا سلطنت مشروطه

برقرار گردید جز روسیه و عثمانی که در آنجا هم آزادی و مشروطیت تقریباً

مقارن با انقلاب ایران شد

نتایج انقلاب کبیر فرانسه و تاثیر آن در عالم

ملت فرانسه در طریق آزادی نسبت بسایر ملل همواره پیش قدم بوده و عالم

وبا آزادی ومساوات مایل ساختند

از جمله نتایج آزادی طلبانه مسئله حریت بندگان زرخرید است زیرا که سابقاً

مردمان متمول آدم را خرید و فروش میکردند و آنانرا به بندگی خود وامیداشتند

بالاخره آزادی طلبانه فرانسه پس از زد و خوردهای زیاد بلکه کرده خرید و

فروش آدم موقوف شد

امروزه این معامله بکلی متروک و بنده زرخرید دیگر وجود ندارد

تمدن جدید و ترقی علم و صنعت

در قرن نوزدهم میلادی در اروپا و امریکا علمای زیادی پیدا شده علوم و

صنایع را ترقی دادند

بواسطه علم و عمل امورات ملکی و تجارتی پیشرفت کلی حاصل کرده در هیچ

قرنی تا این اندازه علم و صنعت وبازو یاد نگذارده بود

در همین قرن علوم فیزیک و شیمی و تاریخ طبیعی و معرفت الارض توسعه

کاملی یافته و در انگلستان و فرانسه ماشینهای بافندگی پنبه و ابریشم

اختراع گردید

ماشینهای دودی یا بخار را دوات) انگلیسی اختراع نمود پس از چندی

آنرا تکمیل کردند (فولتن) امریکائی مخترع کشتی بخارات

انگلیسان و اکنون وراه آهن را ساختند و در مملکت خود خط آهن را از هر

طرف کشیدند و قوه برقیه و الکتریسته را برای حرکت دادن ماشینها ایجاد

کردند

سابقاً مسافرتها و حمل و نقل مال التجاره ها با زحمات زیاد و مخارج گزاف

و مدت بسیار طولانی طی میشد لیکن در این وقت با کمال راحتی و به مختصر

مخارج در مدت خیلی کمی حمل میکنند

تلگراف را در سال (۱۸۰۶) اختراع کردند و تلگراف تحت البحری و بی

سیم را بعدها ترتیب دادند

تلفن نیز در همین موقع اختراع شد بوسیلهٔ تلگراف میتوان از نقاط بعیده

کسب خبر نمود و بتوسط تلفن ممکن است دو نفر از نقطه دوری با هم دیگر صحبت

کنند

شخص فرانسوی گاز زغال سنگ را پیدا نموده پس از آن در انگلیس تکمیل کردند

و در اکثر از ممالک اروپا در معابر و خیابانها و عمارات و ابنیه بوسیلهٔ گاز یا

برق روشن میگردد

در روسیه و امریکا چاهها حفر کرده اند که از آنها نفت استخراج میکنند

در اینموقع اختراعات دیگری هم امثال عکاسی و کاغذ سازی و غیره بعرصه

ظهور رسید

نتیجه انکشافات

بوسیله همین اختراعات و انکشافات امور تجارتی و ثروتی ترقیات زیادی

حاصل نمود و پس از تکمیل آنها آزادی صنعت و تجارت شروع گردید و بانکها

نیز در اینموقع تاسیس شد

سلطنت محمد شاه

فتحعلیشاه پسران متعدد داشت که همه آنها دعوی سلطنت داشتند و

میخواستند با ولیعهد

مخالفت کنند



محمد شاه

در سال ۱۲۵۰

محمد میرزا ولیعهد از

تبریز بطهران آمد

و جلوس کرد و

و فتنه ها خوابید

میرزا ابوالقاسم خان قایم مقام فراهانی بعد از جلوس محمد شاه بصدارت رسید

سال دوم حاج میرزا آقاسی ایروانی که سابقاً معلم شاه بود و شاه باو ارادت

داشت و بصدارت گذاشت

واقعه مهم زمان سلطنت محمد شاه محاصره هرات است اما آنشهر سخت

مقاومت کرد

از آنجائی که دولت انگلیس برای حفظ هندوستان مایل به تسخیر هرات نبود

اظهار خصومت کرد و محمد شاه دست از آن شهر برداشته و بمرکز طهران

مراجعت کرد

واقعه دیگر زمان محمد شاه اختلاف و کدورت بین دولت ایران و عثمانی است

در اینموقع عثمانی ها محمره را خراب کردند و در کربلای معلی اکثری از مردم ایران را

کشتند و بعدها تعهداتی نمودند و عهدنامه بستند

در زمان محمد شاه روابط دول فرنگ زیادتر از زمان فتحعلیشاه شد و عهدنامه

تجارتی نیز بدول فرنگ بسته آمد

محمد شاه علیل المزاج بود و نقرس داشت و امورات داخله را بحاج میرزا آقاسی

میگردانید اما درست ربطی بجبل و یونانی و پلتیک آن نداشت و در امور
ملکی خبط بسیار میکرد باینواسطه در اواخر سلطنت محمد شاه اغلب امور مختل
شده و انقلابات متعدده روی داد

از جمله الهیارخان آصف الدوله بود که در آن وقت حکومت خراسان را
داشت و باین شغل راضی نبود و از اطاعت خارج شده و مخصوصاً پسرش سالار
بزرگان خراسان را با خود همدست کرده فتنه بزرگی در خراسان درگرفت
بهرحال محمد شاه بواسطه شدت مرض در سال (۱۲۶۴) درگذشت

سلطنت ناصرالدین شاه

پسر محمد شاه در تبریز بود اسباب سفر ولیعهد را بطهران میرزا تقیخان وزیر
نظام فراهم آورد
و او درین راه ملقب
بامیر نظام شد
و چون بطهران
رسیدند ناصرالدین
جلوس کرد امیر



ناصرالدین شاه

نظام بصدارت معین شد و اتابک اعظم لقب یافت

سلطان مراد میرزا حسام السلطنه را با قشونی بخراسان فرستاده فتنه و آشوب آنجا را

رفع نمود در ۱۲۶۶ خساراتی که حاج میرزا آقاسی وارد آورده بود و خزانه دولت

را بخرج بیهوده خالی نموده بود و اختلالی در مالیات پیدا شده بود امیر

نظام جبران کرد و ولایات را منظم نمود جور و ستم را از میان برانداخت

علوم و صنایع را ترویج داد و عادات زشت را از ملت دور کرد و مردم را

ترغیب بصفات حسنه نمود و ایجاد روزنامه و بنای مدارس گذارد

پس از سه سال صدارت او را بحکم شاه کشتند بعد صدارت را بمیرزا آقاخان

نوری دادند آنهم معزول شد و از میان رفت

در سلطنت این شاه حسام السلطنه سلطان مراد میرزا هرات را تسخیر کرد و چون

انگلیسها راضی نبودند قشون بخلیج فارس فرستادند جنگی شد و بوشهر و

محمره را گرفتند

فرخ خان امین الملک کاشانی با سفیر انگلیس عهد و مصالحه نمود که قشون

انگلیس از ایران بروند و لشکر ایران هرات را تسلیم نمایند

یکچندی هم میرزا محمد خان سپهسالار صدارت یافت و مدتی هم حاج میرزا

حسینخان مشیرالدوله صدر اعظم شد و ترتیب و قاعده در مواجب و مستمرات
داد و تعدی حکام را رفع کرد و رشوه را برطرف نمود و ناصرالدین شاه را
بفرنگستان برد تا برای العین اساس عدل و داد را ببینند بکه متنبه شود و
آسایش عباد را موسس گردد

در سنه ۱۲۹۰ شاه بفرنگ رفت در مراجعت وزرار سوء منافق و رجال حیله باز
ناموافق دانستند که این وزیر شاه را برای چه مقصودی بفرنگ برده از ترس
خود اسباب عزل او را فراهم آوردند

مجدداً حاج میرزا حسینخان مشیرالدوله بصدارت خود نائل و کارش قوت
گرفت شاه ترغیب و سفری دیگر بفرنگ رفت و فتنه شیخ عبدالله را این
وزیر خوابانید

بعد از آن میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک را صدر اعظم کرد و بعد از او
میرزا ابراهیمخان امین السلطان و پسرش میرزا علی اصغرخان امین السلطان
شخص اول بودند و امین السلطان ثانی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه بصدارت
رسیده و عاقبت این پادشاه در حضرت عبدالعظیم ع بدست میرزا رضا نام
کرمانی کشته شد جمعه ۱۳ ذیقعده ۱۳۱۳) چون این پادشاه درگذشت پسر او

مظفرالدین شاه جانشین او گردید

(مظفرالدین شاه

مظفرالدین شاه چون بتخت نشست محمد علی میرزا را ولیعهد نموده و بحکومت تبریز فرستاد و میرزا علی اصغر خان را پس از هفت ماه صدارت معزول و امین الدوله را صدارت بخشید

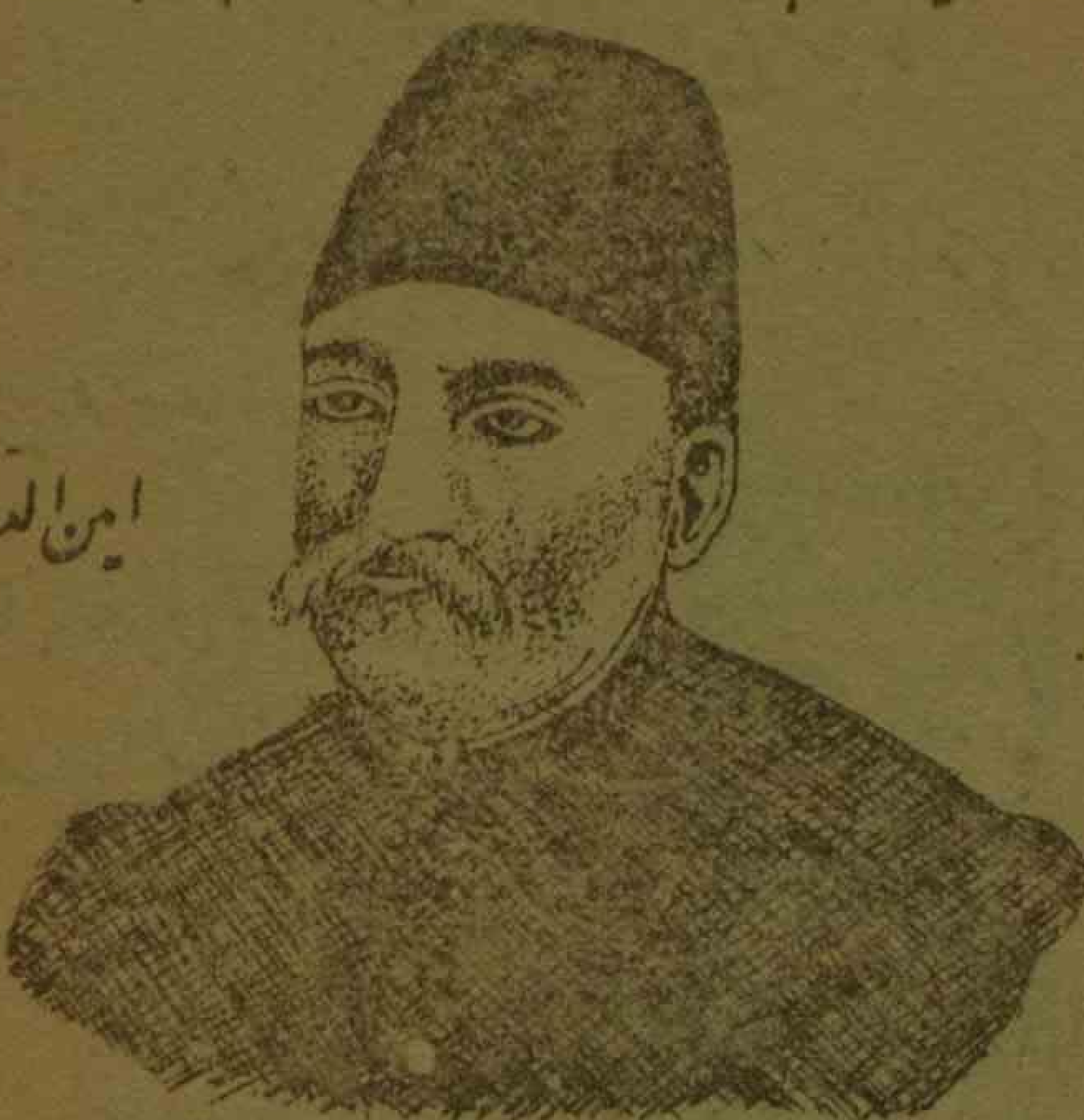


مظفرالدین شاه

امین الدوله مردی فاضل و عالم و خیرخواه و وطن پرست و رعیت دوست بود فورا بنای اصلاح کارها را گذاشت و خیالات بسیار عالی داشت افسوس که ایرانیان در آن وقت نادان بودند و مقاصد عالیه اینمرد بزرگ را نمیفهمیدند و بزرگان مملکت هم اصلاح کارها را برای منفعت خودشان مضر میدانستند بنابراین برای امین الدوله موانع و مشکلات درست کردند

از یکطرف علما را باو بنای مخالفت را گذاشتند و خیال مردم را در باره او

منسوب گردند از طرف دیگر سفیران سلطنت شاه را از او رنجانیدند دیوا



امین الدوله

صدارت امین الدوله چند ماه بیشتر طول نکشید و امیدهای وطن دوستان مبدل بیاس گردید

بعد از عزل امین الدوله دوباره امین السلطان صدر اعظم گردید و بعدا اتابک اعظم لقب یافت و برای تدارک مخارج شاه و پرداخت مواجب و مستمری مردم از دولت روس مبلغی قرض کرد

صدارت دوم امین السلطان چهار سال طول کشید و در این مدت مظفرالدین شاه دو سفر برای معالجه بفرنگستان رفت و مبالغ گزافی از پولهای استقراضی در این سفرها مخارج کرد و بر پریشانی و بدحالی مردم افزود

امین السلطان چون از کشمکش با احرار شاه و پیش بردن امور عاجز و خسته شد کناره کرده از ایران خارج شد

و سلطان مجید میرزای عین الدوله اتابک اعظم شده و بنای اجحاف و

تعدی را گذاشت

مقدمات انقلاب



عین الدوله

۱۳۲۳ چنانکه

مذکور شد عین الدوله

تعدی و ظلم بسیار

نمود و نمیگذاشت

که شاه از شکایت ملت مخبر گردد

مظفرالدین شاه در این ایام ناخوش بود خلاصه مردم بتنگ آمدند و علما

مخصوصاً آقای سید عبدالله بهبهانی و آقای آسید محمد طباطبائی با ملت

همدست شده و روزی در مسجد شاه برای مشورت جمع گردیده عین الدوله مردم را

از دور علما متفرق نمود و علماء بحضرت عبدالعظیم رفتند شوال ۱۳۲۳

مظفرالدین شاه برای اینکه مردم آرام شوند دستخطی فرستاد مبنی بر اینکه

عدلیه دایر نماید علماء بطهران آمده و بعد از مدتی معلوم شد که آن دستخط برای

اسکات ملت بوده است

این دفعه مردم بهیجان آمده در مساجد و منابر بنای بدگوئی و شکایت را
گذاشتند و علماء بزرگ بمسجد جامع رفتند و جمع کثیری بدور ایشان جمع
شدند — چون عین الدوله در بدو انقلاب سه چهار نفر از منادیان
و هادیان طریق آزادی امثال حاج میرزا حسن رشدیه و مجدالاسلام
کرمانی مدیر ندای وطن وغیره را بکلات تبعید کرده بود ملت در حال
غضب و مستعد شورش و انقلاب بود

در اینموقع عین الدوله برای خوابانیدن غائله امر بدستگیری حاج شیخ محمد
که یکی از مشاهیر وعاظ بود صادر نمود مردم بهمین واسطه شورش سختی
برپا نموده نگذاشتند که حاج شیخ محمد را دستگیر نمایند

بدین جهت فرمانده قشون حکم شلیک بسربازان مستحفظ شهری داد
ولی هیچکدام اطاعت نکردند آنوقت خودش شلیک نمود و
سید عبدالمجید را بقتل رسانید مردم از کشته شدن سید مظلوم
بیشتر بهیجان آمده سربازها را عقب نموده واعظ را با نعش سید عبد
المجید بمسجد بردند چون این خبر به عین الدوله رسید مصمم شد که
بقوه نظامی مردم را متفرق نماید بدین جهه در تمام نقاط شهر عده

سه بار قرار داد و متحصنین مسجد پیراهن خون آلود سید مقتول را بر سر

چوبی نموده گریه کنان در بازارها بنای گردش گذاشتند

سربازان چند شلیک بطرف آنها نموده چندین نفر را مقتول نمودند

آقای آسید عبدالله مردم را نصیحت زیادی نموده و آنها را از دور خود و سایر

علما متفرق کرد

پس از چند روز آقای آسید عبدالله و آقای آسید محمد و جمعی طلاب و علما

عازم حضرت معصومه شدند

مردم برای اینکه سایر مطالب خود را بشاه برسانند چاره بجز تحصن در سفارت

انگلیس ندیدند و عین الدوله همیشه در خیال اشتباه کاری بود و نمیخواست

شاه از وقایع مطلع گردد

خلاصه از تمام اصناف و تجار در سفارت جمع شدند و در اواخر عده

متحصنین بالغ بر ده هزار نفر رسید

اخرالامر انگلیسها همراهی نموده مظلومیت ملت را بشاه فهمانیدند

مظفرالدین شاه چون از رفتار عین الدوله اطلاع یافت او را پس از

دو سال و چند ماه صدارت در روز یکشنبه هفتم جمادی الثانی ۱۳۲۴

از صدارت معزول نمود

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله را که وزیر امور خارجه بود رئیس الوزراء نمود



مشیرالدوله

از آنجائی که مشیرالدوله مردی عاقل و کافی بود بشاه فهمانید که صلاح

مملکت و دولت این است که شاه مشروطیت را عطا فرماید

در روز دوشنبه ۲۷ مجلسی از امراء و بزرگان در اطاق نظام منعقد گردید

و مردم کم کم از سفارت خارج شده و شروع بانتخاب وکلا نمودند و عین الدوله

بخراسان رفت

مقارن این ایام ناخوشی شاه شدت نمود و ولیعهد را از تبریز خواستند

نظام الملک حکمران آن ایالت گردیده و وکلاء در اینمدت مشغول بنوشتن قانون

اساسی نمودند و چون در روز یکشنبه ۲۰ شوال بطهران رسید قانون اساسی
تمام شد
مظفرالدین شاه و ولیعهد و مشیرالدوله آنرا صحه نمودند

محمدعلیشاه - چون مظفرالدین شاه درگذشت محمد علی میرزا روز شنبه
چهارم ذیحجه ۱۳۲۴ تاجگذاری نمود و بنای مخالفت را با مشروطیت
گذاشتند


محمدعلیشاه

واطرافیان
پادشاه هم
مایل بمشروطیت
نبودند و اتما
او را بتحزیب
مجلس شورا تحریک میکردند مشروطه طلبان دامن همت بکمر زده باکمال سختی در
حفظ مشروطیت سعی وکوشش نمودند

انجمنهائی که برای تقویت آزادی تاسیس شده بود مجدانه کار میکردند

مشیرالدوله چون از خیال دولت اطلاع یافت از صدارت استعفا داده

بعد از چند روز برحمت ازروی پوست در اینموقع شاه میرزا علی اصغرخان را
که مدت سه سال بخارجه رفته مشغول گردش کرده بود بطهران خواست پس از ورود
بار دیگر ریاست وزرائی و وزارت داخله باو تفویض گردید طولی نکشید که تمام
ولایات مغشوش شد و در طهران هم آشوب بزرگی برپا شد و سبب آن
حاج شیخ فضل الله مجتهد بود که بحمایت یک درباریان با جمعی الواط بحضرت
عبدالعظیم رفت آزادیخواهان و شهر طلبان سبب این انقلاب را
از میرزا علی اصغرخان میدانستند تا اینکه یکروز تمام وزرا به مجلس بودند
در مراجعت شخصی تبریزی موسوم بعباس آقا با هفت تیر میرزا علی اصغر
خان را بقتل رسانید در شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۵
بعد از میرزا علی اصغرخان وزارت داخله بمشیر السلطنه و وزارت امور خارجه
بمیرزا جواد خان سعد
الدوله تفویض شد
در این ایام متمم قانون
اساسی تمام شد و
محمدعلیشاه آنرا صحه



میرزا علی اصغرخان

نمود و در ماه شوال ۱۳۲۵ مجلس آمده مقابل علماء و وکلا قسم یاد نمود که در

حفظ اساس مشروطیت بکوشد و مطابق قانون اساسی رفتار نماید

بعد از چندی درباریان و اشخاصیکه مشروطیت را مخالف صرفه خود میدانستند

شاه را بضد مجلس تحریک کرده تا اینکه محمد علیشاه در اوائل جمادی الاول ۱۳۲۶

بباغ شاه رفته و در آنجا استعداد زیادی تهیه و تدارک و بالاخره جنگ

بین آزادیخواهان و دولت درگرفت قزاقها از سه طرف مجلس را توب بستند

و عده قلیلی از مشروطه طلبان و وکلای مجلس را مقتول و بعضی از خانه‌ها که محل

انجمن و طرف سوء ظن دولت بود غارت و خراب نمودند السید عبدالله و السید

محمد دیگی از ناطقین و چند نفر از مدیران جراید را دستگیر کرده بباغ شاه بردند

بعد از انهدام مجلس و انجمنها حکومت شهر نظامی شد دوباره استبداد برقرار و ظلم

و ستم حکام شروع شد و تلگراف تمام حکام مخابره گردید که انجمنهای ایالتی و ولایتی

موقوف و آزادیخواهان و مشروطه طلبان را به قتل رسانید

انقلاب و تجدید مشروطیت ۱۳۲۷

اول شهریکه در مقام دفاع برآمد تبریز بود که رحیم خان را با مواکبش از شهر

بیرون نمودند بعد ستارخان و باقرخان که در رشادت و شجاعت مشهور آنسامان

بودند بست کرده عده از اهالی را با خود متحد کرده و با قشون دولتی جنگیدند

شدند در جاهای سایر نقاط مغشوش و با اهالی تبریز هم صدا و هم آواز گردیدند چندی تغییر



سپهدار اعظم

سلطنت استبدادی را بمشروطیت خواستگار شدند اهالی تبریز با کمال شهامت

و جرئت جنگ میکردند و در تمام این مدت فاتح بودند ولی خان سپهدار اعظم که یکی از

سرداران قشون دولت بوده بواسطه حمله که عبثاً بتبریز نموده بود با عین الدوله

جزئی کدورتی حاصل نموده بتنکابن حرکت کرد و بنای مخالفت را با دولت

گذاشت و در اصفهان مردم از اجحافات میرزا محمد خان اقبال الدوله کاشانی

بستوه آمده بمساجد اصفهان پناه بردند اقبال الدوله یکی از مساجد را بتوپ

بست در این ضمن صمصام السلطنه بختیاری باصفهان آمده قشون دولتی را متفرق

و شهر را نیز متصرف شد

پس از مدتی حاج علیقلیخان سردار اسعد که مدتی در فرنگ بود داخل خاک



حاج علیقلیخان

ایران گشته پس از

تهیه و تدارک زیادی

باصفهان وارد گشت

از طرفی مجاهدین رشت

بدار الحکومه ریختند

آقا بالاخان را بقتل

رسانیدند و سپهدار اعظم از تنکابن وارد رشت گردید

چون سپهدار از انتظام گیلان و سردار اسعد از انتظام اصفهان فارغ شدند با تعدادی

مجاهد و سوار بختیاری بطرف طهران حرکت کردند

محمد علیشاه پس از آنکه خبر حرکت مجاهدین را شنید عده سرباز و قزاق بجلو

گیری آنها فرستاد

مجاهدین گیلان که مرکب از تبریزی و قفقازی و رشتی و طهرانی بودند در شب

جشن تاجگذاری شاه بقزوین رسیده پس از چهارده ساعت آنرا مسخر

نمودند

پس از انتظام قزوین عازم طهران شده و در بادامک بسواران بختیاری
ملحق شدند و در بادامک جنگ سختی بین عساکر دولت و مجاهدین واقع گردید
و آخر الامر پس از تلفات زیاد احرار فتح نموده بطرف طهران حرکت نمودند
صبح روز سه شنبه ۲۴ جمادی الاول وارد مرکز شده و مستقیماً بمجلس رفتند
و تا ظهر آن روز تمام نقاط طهران بغیر از توپخانه و قزاقخانه را متصرف شدند
و آزادیخواهان داوطلبانه مسلح گشته به کمک مجاهدین آمدند قزاقخانه و توپخانه
پس از کوششهای فوق العاده تسلیم شدند

محمد علی شاه چون از همه طرف مأیوس شد با چند نفر از همراهانش بسفارت
روس رفت در جمعه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۷

چون محمد علی شاه بسفارت رفت در عصر روز ۲۸ جمادی الثانی عده از رؤسای
مجاهدین و شاهزادگان و رجال و عده از وکلای سابق در مجلس جمع شده
متفق القول رای بعزل محمد علی شاه داده سلطان احمد میرزا را که ولیعهد بود
پادشاه نمودند

و نیابت سلطنت به علیرضا خان عضد الملک محول گردید

پس از عضد الملک نیابت سلطنت به ناصر الملک واگذار گردید

عضدالملک



ترتیب دول اروپا در مائه نوزدهم

(ایطالیا)

ایطالیا در اوائل قرن نوزدهم منقسم به چند قسمت بود قطعه شمالی آنرا
اطریش متصرف بود قطعات دیگر آن در تحت امارت و سلطنت چندین

پادشاه و امیر که یکی از آنها پاپ بود

ایطالیائی ها در اینوقت بخیال آزادی خود افتادند و ضمناً میخواستند

تمام خاک ایطالیا را در تحت تصرف یکدولت در آورند

پادشاهان جنب ایطالیا و دولت اطریش با این دو مقصود مایل نبودند

و مخالفت میکردند

بعد از کنگره وینه ایطالیائی‌ها چندین دفعه شورش نموده ولی هر دفعه
مغلوب میشدند عاقبت ویکتور امانوئل (پادشاه پیمن) که
یکی از سلاطین جزء آن مملکت بود برای تشکیل دولت واحد ایطالیا اقدامات
مجدانه نموده و بحسن تدابیر وزیر خود و بمساعدت ناپلئون سوم فرانسه اطریش
را خارج نموده و در مدت یازده سال تمام ایطالیا در تحت سلطنت ویکتور
امانوئل دارای دولت واحد گردید و شهر روم را پایتخت خود قرار داد

آلمان

ممالک آلمان هم مثل ایطالیا دول متعدده بودند و بهدیگر اتصالی نداشتند
بنا بقرارداد کنگره وینه در تحت ریاست امپراطور اطریش قرار گرفته
آلمانها در صدد بدست آوردن آزادی و واحد کردن دولت خود برآمدند
یکی شدن دولت آلمان بسعی و اهتمام دولت پروس صورت گرفت
چون دولت مزبور از سایر دول آلمان ممتاز و دارای اهمیت بوده با اطریش
بر سر ریاست رقابت داشتند

وقتیکه سلطنت پروس بویلهلم اول رسید بسمارک معروف را بوزارت

خود منصوب نمود

پادشاه و وزیرش مشغول در تهیهٔ لوازم وحدت دولت آلمان برآمده ابتدا

با دولت اطریش متحد شده با دانمارک جنگ کردند و دو ولایت هلشتاین

و شلزویک را از تصرف آن دولت خارج نمودند

بعد از آن دولت پروس برای تقسیم آن دو ولایت با اطریش جنگ کرده

و او را مغلوب ساخت

نتیجهٔ این محاربه این شد که دولت اطریش از مجمع دول آلمان خارج گردید

و ممالک شمالی آلمان با هم متحد شده قبول ریاست پادشاه پروس نمودند

بعد از چند سال

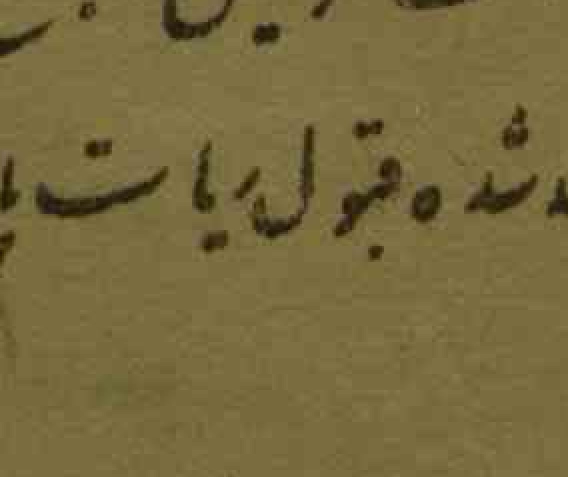
بیسمارک اسباب

جنگ پروس را

با فرانسه فراهم کرد

قشون پروس در

این محاربه فتوحات



ناپلئون سوم

نمایانی کردند حتی ناپلئون سوم را هم گرفتار نموده و پاریس را هم محاصره کردند

دولت عثمانی

دولت عثمانی در سال ۱۸۸۹، عبارت از آسیای صغیر و مصر
و شام و ممالک بالکان بود چون مردم و سکنه ممالک عثمانی از اقوام
مختلفه بودند و از حیث نژاد و دین و مذهب و لسان مختلف و تفاوت
زیادی داشتند بدین جهت اختلاف و نفاق و دوئیت بین آنان حکم
فرما و مخصوصاً مسئله قومیت که اکثر از آنها متدین به دین مسیح
بوده اند زیر بار تابعیت عثمانی ها که مسلمان بودند نمیرفتند و ضمناً دولت
روس برای بسط تجارت با اسلامبول طمع داشت و میخواست بر تمام
سواحل دریای سیاه مسلط باشد و دعوی استقلال نماید بدین جهت
در مائه نوزدهم اسباب تجزیه عثمانی فراهم گشت در اینموقع دولت
قراطاغ و صربستان بنای شورش و طغیان را گذاشتند و روسها
نیز با رومانی ها متحد شده تا نزدیک قسطنطنیه پیش آمدند ولی انگلیس
و آلمان چون این امر راضی نبودند کنگره برلن را ترتیب دادند
نتیجه کنگره برلن این شد که دول رومانی و صربستان و قراطاغ
و بلغارستان مانند یونان استقلال حاصل نمودند و اطریش بوسنی

از عثمانی اروپا و روسیه بعضی از شهرهای عثمانی آسیا را متصرف شدند
و جزیره قبرس نیز بدست انگلیسها افتاد

استقلال یونان و بلژیک

در سال ۱۸۲۱ یونانیان برضد دولت عثمانی طغیان نموده عاقبت بهمراهی دولت انگلیس و فرانسه و روس دولت یونان را تشکیل دادند
بلژیکیان که تا آن وقت مطیع دولت هلاند بودند شورش نموده و بدستیاری فرانسویان هلندیها را اخراج کردند و دولت بلژیک را تاسیس نمودند

لهستان – سابقاً دول روسیه و آلمان و اطریش مملکت لهستان را بین خود قسمت نمودند ولی آنهائیکه مطیع دولت روس شده بودند چون همیشه صدمات میدیدند بارها طغیان نموده لیکن دولت روس در هر موقع آنهارا مغلوب کرده و رؤسای آنهارا به سیبری منفی ساخته و عاقبت در شهر ورشو پایتخت لهستان حصاری کشیده تا در موقع لزوم تواند شهر مزبور را گلوله باران نماید

هنگری یا مجارستان

اهالی هنگری بارها بر ضد اطریش قیام کرده ولی در هیچ موقع کاری از پیش نبردند تا آنکه در سال ۱۸۶۰ ضعف دولت اطریش را مغتنم شمرده او خواستار مشروطه گشتند و از اینوقت دولت هنگری مشروطه شده و در امور داخلی آزاد گردیدند

ایرلند – ایرلندیهائی که مطیع و مغلوب انگلیسها بودند بنای شورش را گذاشتند و حاکم و دبیر اکه انگلیسی بود کشتند و پس از آن بانگلستان رفته و بقوه دینامیت اکثری از خانهای لندن را خراب و ویران کردند اما اکنون دولت انگلیس حق داشتن حکومت آزاد بآنها داده

نروژ – اهالی نروژ آزادی خود را تقاضا کردند و دولت سوئد بدون هیچ عذری درخواست آنها را قبول نموده و نروژیها دولت آزادی ترتیب داده یکی از شاهزادگان دانمارک را بسلطنت انتخاب کردند

سیاست خارجی و تملکات اروپائیان

اروپائیان در مائه نوزدهم بواسطه ترقیات علمی و صنعتی مقتدر بر تمام عالم مسلط گردیده و برای توسعه تجارت صنایع خود بخیال داشتن مستعمرات افتادند خصوصاً دول انگلیس و فرانسه و آلمان و ایتالیا و غیره از

دول بزرگ متصرفات عدیده بدست آورده‌اند دولت مزبوره ناچار بجهت حفظ مملکت
و عشیره خود قشون لازم داشتند به نیت خدمت اجباری در مملکت خود قرار دادند
تا همه شخصی سالی چند در نظام خدمت کند

در اروپا بعضی از دول مانند فرانسه و روس و ایطالیا و آلمان و اطریش و غیره
با یکدیگر عهد و مصالحه نموده‌اند و بیشتر اغلب آنها مطیع کنفرانس لاهه گشتند تا اگر
اختلافی بین آنها واقع شود کنفرانس مذکور از عهده رفع آن برآید

مستعمرات انگلیس در آسیا

انگلیسها پس از صد سال محاربه دولت عظیمه پر منفعت هند را که دارای پانصد کرور
جمعیت است متصرف شده هندیان از اجنبی و قشون در آوردند یک دفعه هندیان
شورش نموده قتل و غارت زیادی نمودند لکن انگلیسها فوری جنگ را خاتمه داده و
نایب السلطنه برای هند معین و مقر او را کلکته قرار دادند

پس از فتح هند انگلیسها برمانی و شبه جزیره سنگاپور و عدن و غالب جزایر
اقیانوس هند را متصرف شدند

مستعمرات روسیه در آسیا

روسها در زمان پطر کبیر و ملکه کاترین دوم تمام سیبریا را که دارای ...

نوزدهم در اراضی مجاور شط آمور دا قیانوس کبیر را مسخر و در آسیای مرکزی

قفقاز و گرجستان و ارمنستان و ترکستان را مالک شدند و سه خط راه آهن

کشیدند یکی در قفقاز دیگی در ترکستان دیگی در سیبری که .... ی دستنگ

ختم میشود

رقابت انگلیس با روس

در سال ۱۸۲۶ در زمان فتح هرات که کلید تسخیر هندوستان است انگلیسها

وحشت زیادی از روسها پیدا کرده بخیال تسخیر کابل افتادند ولی شکست بزرگی

از افغانها خورده آن ناحیه را ترک کرده از آنوقت مواظب یکدیگرند

مستعمرات فرانسه

فرانسه در آسیا قسمت شرقی هند و چین را در اقیانوسیه کالدونی جدیده و تاهیتی را

متصرف و پس از آن در افریقا متدرجاً ممالک الجزیره و تونس و صحرا و سودان

و سنگال و کنگو وغیره را مالک شدند

بقیه ممالک افریقا بغیر از متصرفات انگلیس و فرانسه در جزء مستملکات آلمان

و ایطالیا و بلژیک و اسپانیول و پرتغال میباشد و سایر جزایر آسیا را آلمان

و هلند وغیره تصرف کردند

چین

اروپائیان فقط با یک بندر چین تجارت مینمودند در سال ۱۸۵۸
انگلیسها چندین هزار صندوق تریاک بچین فرستادند خاقان چین تمام
آنها را بدریا ریخت بدینجهت جنگ عظیمی مابین دو دولتین مذکور برپا و عاقبت
بواسطه تمکین چینیها مصالحه کردند بشرط آنکه اروپائیان در پنج بندر حق
تجارت داشته باشند

چون چینیها اجباراً صلح کرده بودند از مراوده اروپائیان متنفر
بوده و مخصوصاً با انگلیسها و فرانسویان بد رفتاری میکردند اینبود که
انگلیس و فرانسه متفق شده چینیها را مغلوب نمودند و از آنزمان بین چین
و دول اروپا روابط برقرار است

تمدن جدید در قرن بیستم

تمدن اینقرن با قرون گذشته تفاوت کلی دارد ترقیات فوق العاده
نموده زیرا که در اینقرن اکتشافات مهمه و اختراعات جدیده عمده از مثال
تحت البحری و آئروپلان و زپلین و اتوموبیلهای زره پوش و تلگراف و
تلفون بی سیم و بمباری از افلاک و ادوات حربیه متنوعه ظهور رسیده

اروپا بواسطه اختراعات جدیده که در این قسمت فوق العاده ترقی کرده
بودند برای توسعه تجارت و ترویج صنعت با جاهائی که قدری از آنها عقب
آمده بودند ضدیت و رقابت ورزیده و ضمناً بواسطه ازدیاد جمعیت که
زیاده از گنجایش مملکت خود داشتند در صدد تحصیل اراضی برآمده بدین جهت
هر یک بر قوه و استعداد جنگی خود افزوده و نظام اجباری را در مملکت خود
معمول داشته و مبالغ کلی از خزانه و مالیه مملکت خود صرف قورخانه و
مهمات و آلات و ادوات حربیه کرده و هر یک گوی سبقت بر یکدیگر و
اضمحلال یکدیگر بر قوای جنگی بری و بحری خود میافزودند

بواسطه ازدیاد قوه جنگی بنای رقابت و دسته بندی را گذاردند تا در سال
(۱۹۱۴) مسیحی یکنفر صربی ولیعهد دولت اطریش را مقتول و دولت مزبور
برای خونخواهی ولیعهد خود به مملکت صربستان حمله نمود

دولت روس بهواخواهی و حمایت صرب به دولت اطریش اعلان جنگ داد
و دولت آلمان هم بحمایت اطریش قد مردانگی علم کرد عثمانی و بلغار تمایل
خود را نسبت بآلمان اظهار کردند و سایر دول عالم باستثنای چند دولت
محقر از طرف یکدیگر داخل در جنگ شدند که تاکنون دنباله جنگ مزبور قطع نگردیده

و خسارات بی حد به ملل عالم وارد آورده و مدت شش سال تمام دنیا را متزلزل

و عاقبت بفاتحیت متفقین جنگ بین المللی تمام گشت و برای عقد

مصالحه مجلسی در پاریس بنام شورای عالی سه نفر بریاست کلمانسو رئیس الوزرای

فرانسه و مشارکت رئیس جمهور آتازونی و رئیس الوزرای انگلیس منعقد شد

تا این مجلس عالی مقررات و سرنوشت ملل عالم را تعیین نمایند. تمت بالخیر

سنه ۱۳۳۹

تقریظ

کتاب تاریخ مصور عالم تألیف جناب مستطاب آقا میرزا سید علیخان دام اقباله

که یکی از هدایای گران قیمت و بهترین کتب کلاسیکی است با طرز مخصوص و اسلوب

پسندیده و انشاء و قلم عالی نگاشته شده و حقایق علمی را با بیان بسیار

ساده که درخور فهم اطفال دارس است نوشته بحق قابل تحسین و تمجید است

محمد نجمی
مدیر کتابخانه ...

فهرست کتب جدید الطبع کتابخانه مهدیه

تاریخ یونان مصور — تألیف آقا میرزا سید علیخان

تاریخ مصور عالم — تألیف "

حساب مقدماتی — تألیف "

تاریخ ایران سوم و چهارم — تألیف آقا میرزا حسینخان ارفع السلطنه

نشاء جدید مقدماتی — تألیف وجیه خاقان

تاریخ مصور مقدماتی — تألیف میرزا سید حسینخان مژی

دانش جدید جلد اول — تألیف "

دانش جدید جلد دوم — تألیف "

حفظ الصحه سال پنجم و ششم — تألیف آقا میرزا سید علیخان

تادیب البنات — تألیف "

علم الاشیاء سال اول — سال دوم — سال سوم و چهارم

پنجم و ششم — تحت طبع است

شرعیات دوره با اخلاق — تحت طبع است

در مطبعه میرزا علی اصغر

کتبه جمال الدین سنجی ۱۳۳۹